

کارخانه‌ها، کارگران ساختمانی و دستفروشان کنار خیابان هستند. تقریباً تمامی آنها مهاجرینی هستند که از روستاها و شهرهای کوچک کشور در جستجوی کار به تهران آمده‌اند.

این منطقه از ابتدایی‌ترین امکانات زیستی بی‌بهره است و هیچ‌گونه امکانات بهداشتی و درمانی در آن وجود ندارد. با وجود مراجعات مردم، هیچ اقدامی برای تامین آب و برق این محل صورت نگرفته است. مردم برای تامین برق با نصب خطوط انشعاب بر روی کابل‌های انتقال برق که از این محل می‌گذرد، اقدام نمودند.

در شماره ۶۶ نشریه خبر تهاجم بربرمنشانه نیروهای حکومتی به منطقه فیروز آباد شهری و تخریب سریناه محقر زحمتکشان این منطقه را منعکس ساخته بودیم. در این شماره توجه شما را به مشروح این خبر جلب می‌کنیم.

منطقه فیروز آباد در جنوبی‌ترین نقطه تهران بزرگ و در مسیر جاده شوش تهران شهری ورامین قرار دارد. این منطقه با شهری چهار کیلومتر فاصله دارد و به منطقه جاده نظامی مشهور است.

در جاده نظامی قریب به ۱۰۰ خانوار زندگی می‌کنند که اکثریت قریب به اتفاق آنان کارگران

به مناسبت ۱۴ مرداد، سالروز انقلاب مشروطیت

زنان در انقلاب مشروطیت

دروژن سال ۱۹۰۰ (خرداد ۱۲۷۸) گارتویک سفیر روسیه تزاری در ایران طی گزارش رسمی خود به دربار، در مورد اوضاع ایران نوشت: "در میان مردم علیه دولت ناخرسندی پنهانی وجود دارد. خودسری و غرض ورزی قشرهای فوقانی و محافل حاکمه همراه با تیره روزی و بی پناهی قشرهای پائینی سرچشمه دامن این ناخرسندی است. این ناخرسندی به اشکال گوناگونی بروز می‌کند. (م. ایوانف، بررسی تاریخی ایران). از همین اعتراضات و ناخرسندی پنهانی بود که پس از شش سال موج خروشان انقلاب مشروطیت ایران برای برچیدن بساط حکومت مطلقه و جایگزینی اراده مردم به جای آن، براه افتاد.

انقلاب ملی دوره پنجاه خود (۱۲۸۴-۱۲۹۰) از فراز و نشیبهای فراوانی گذشت. انقلاب با همه کار-شکنی‌های دربار و روحانیونی چون شیخ فضل الله و با همه تشبیهات اشراف و فئودالها و ایلخانان و با همه توطئه‌های دولت استعماری روسیه تزاری

بقیه در صفحه ۶

آموزش عالی در خدمت سودجویی سرمایه‌داران

"پیشگام"، نشریه سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) منتشر شد. در سرقاله شماره نخست "پیشگام" گفته شده است: "هدف از انتشار نشریه، پیشبرد کار آگاهگرانه در بین جوانان و هدایت سازماندهی مبارزات آنهاست. انتخاب نام آشنای پیشگام، برای نشریه، از اینروست که تاریخ سرفراز فعالیت انقلابی جوانان فدائی با این نام گره خورده است... پیشگام منعکس کننده -خواستهای جوانان و هدایت گز مبارزات آنان در این راه می‌باشد. هدف پیشگام، هدایت جنبش جوانان کشور، در جهت ایفای نقش هرچه موثر در مبارزه انقلابی مردم ایران برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و تحقق اهداف انقلاب ملی و دموکراتیک مردم ایران است."

مقاله‌ای که در زیر از نظراتان می‌گذرد از شاه اول نشریه پیشگام که در داخل کشور منتشر می‌شود، برگزیده شده است.

همگانی رایگان از ابتدائی تعالی از خواست‌های برحق مردم میهن ما بود که انقلاب کردند و حتی مفاد آن در قانون اساسی رژیم نیز انعکاس یافت، رژیم خمینی که ملی سالهای گذشته بی‌شرمانه و به بیانه‌های مختلف اخذ شهریه در کودکستانها و مدارس را براه انداخته، اینک در ادامه خیانت‌هایش موسسات عالی کشور را نیز به بخش خصوصی می‌سپارد. صفت "غیر انتفاعی" هم برای این موسسات، کلامی شرعی و جز دروغی بزرگ

بقیه در صفحه ۱۲

شورای عالی فرهنگ، روز هشت خرداد ماه در جلسه‌ای با حضور خامنه‌ای، تاسیس موسسات آموزش عالی "غیر انتفاعی"! توسط بخش خصوصی را به تصویب رساند. احیای مجدد مدارس عالی خصوصی که انقلاب بهمن بساطشان را برچیده بود، به معنی باز کردن دوباره دست سرمایه‌داران غارتگر در سیستم آموزشی کشور و نشانه آشکاری از اختصاص هر چه بیشتر امکانات آموزشی در خدمت افسار و رستمند جامعه است.

در حالی که خواست آموزش

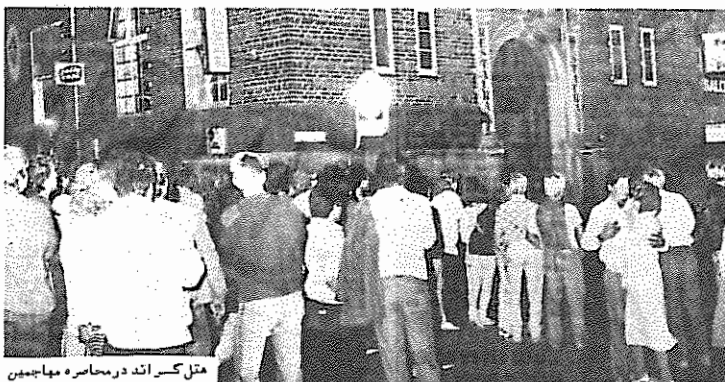
نمایشی به نام انتخابات

با اعلام نظر شورای نگهبان به صلاحیت کاندیداتورهایی ام ریاست جمهوری رژیم خمینی، دور ازبازی مسخره‌ای که به آن ران مبارزه انتخاباتی داده‌اند. بان یافت. شورای نگهبان ارتجاع میهن ۵۰ تن از مسئولین رده بالای لومتی و کاندیداهای "نهضت ادی" که کاندیدای احراز مقام است جمهوری بودند، ۴۷ تن را فاقد لحدیت نامید و تنه‌ای به دوتن اجازه : تا در کنار خامنه‌ای در ادامه : بازی مضحک شرکت جویند. حیم خمینی و سرکردگان اصلی رژیم مبنی بر شرکت محدود خودیها در : بازی که از زبان سختگوی شورای بمان اعلام شده است، نشانه نندگی حکومتی است که حتی توان گونه مانورهای عوام‌فریبانه را نیز : ست داده است.

دور نهایی بازی، انتخابات رژیم ولایت فقیه، همین ماه پایان آمد یافت و تا چند هفته دیگر ای نگهبان که این بار نظارت بر وقها را عهده دار است، نام

بقیه در صفحه ۷

گزارشی از حملات فاشیستی به پناهندگان ایرانی در دانمارک



مئل گرانند در محاصره مهاجرین

در تاریخ ۴ مرداد، شب هفتم، قریب به ۲۰۰ نفر از اوباش تحریک شده توسط نیروهای راست افراطی و فاشیست دانمارک، به ساختمان هتل گرانند واقع در شهر کالنبرگ، که محل اقامت عده‌ای از پناهندگان ایرانی بود، یورش بردند. مهاجرین در این یورش غیر انسانی، از سنگ، بئری، آجیو و چاقو استفاده کردند. چنانکه در رسانه‌های خبری جهان نیز انعکاس یافت. در این تهاجم نژادپرستانه، عده‌ای از مهاجرین ایرانی و حتی چند مامور انتظامی، مضروب و مجروح شدند. این یورش در راستای اعمال سیاست فشار و تشویش بر پناهندگان و مهاجرین ایرانی به وقوع

و جوسازیهای نژادپرستانه‌ای به وقوع پیوست که از چندی قبل شدت گرفته است

بقیه در صفحه ۲

پیوست و تا چند روز ادامه یافت. یورش به پناهندگان سیاسی ایرانی، بر زمینه تبلیغات ضد خارجی

این شماره:

هلا... غرور بلند

شرعی از رضامقصدی
در صفحه ۴

نها آلت‌زانی و واقعی، سوسیالیسم است

حبه "عصر جدید" با "ورشر لاک" عضو کمیته مرکزی و ست میات نمایندگی حزب نیست آلمان در کنفرانس احزاب کمونیست اروپای غربی

در صفحه ۱۰

چهل و چهار ریا

ستانی بر اساس صدها واقعیت
در صفحه ۹

بقیه از صفحه اول

است. حدود سه ماه پیش، هم زمان با آزادی رهبر فاشیستهای دانمارک (حزب پیشرو دانمارک!) از زندان، تبلیغات ضدخارجی حدت فوق العاده ای یافت. این فرد که بواسطه جرائم مرتکب شده به سه سال زندان محکوم شده بود، با قید ضمانت آزاد شد. نامبرده به محض آزادی از زندان، اقدام به یک سری تبلیغات گسترده خارجی ستیزانه نمود. رادیو و تلویزیون و مطبوعات دانمارک نیز وسیعاً این تبلیغات را بازتاب دادند. رهبر فاشیستها خارجیان مقیم دانمارک را مسئول مشکلات و نارسائیهای اقتصادی، اجتماعی حاد این کشور نامیده و با وفاحت و بی شرمی تمام، خارجیان را "موشهای کثیفی" اتلاق کرد که باید از کشور اخراج شوند.

اقدامات و فعالیت خارجی ستیزانه در دانمارک، محدود به این حزب و این شخص نیست. دوهفته پیش از رویدادهای اخیر یک گروه نشر فاشیست نیز در دانمارک اعلام موجودیت نمود و در اعلام مواضع خود که از تلویزیون دانمارک نیز پخش شد، اخراج خارجیان را از اهداف گروه معرفی نمود.

تبلیغات ضد خارجی، در شهرهای کوچکتر، با وسعت بیشتر و علنی تر پیش برده می شود. نیروهای فاشیست مردم را علیه اسکان پناهندگان در این شهرها شورانده و وادار به اعتراض به مقامات دولتی می کردند. آنها حتی در مواردی اتوبوس حامل پناهندگان را در خارج از شهر متوقف ساخته و پناهندگان را تهدید نمودند که وارد شهر نشوند. چندی پیش، یک ایرانی با ضربات چاقو به قتل رسید. حمله به خارجیان و "موسیاه ها" هر روز افزایش بیشتری می یافت، که آخرین آن حمله چهار جوان دانمارکی به یک زن سریلانکائی بود. مطبوعات راست دانمارک با تبلیغات مداوم می کوشیدند، مردم این کشور را علیه خارجیان تحریک نمایند.

علت نابسامانی ها در چیست؟

سیاست خارجی ستیزی در دانمارک، در راستا و در هماهنگی با سیاست عمومی ضد خارجی در کشورهای غربی گسترش می یابد. دولتهای این کشورها می کوشند چنین وانمود سازند که نابسامانی های اجتماعی و بحرانی های عیدیه موجود ذاتی نظام سرمایه داری، معلول وجود خارجیان در این کشورهاست. چنین

گزارشی از حملات فاشیستی به پناهندگان ایرانی در دانمارک

روز افزون حضور خارجی هاست آنها با تبلیغ روی شعار کار دانمارکی برای دانمارکی، دانمارک برای دانمارکی، جیوسدخارجی وناسیونالیستی کوری را دامن می زنند، و بدیهی است که این محافل فاشیستی - نژاد پرست از همه گونه امکانات و تسهیلات دولتی و انحصارات سود می جویند.

همه تجعین از تروریسم بهره می گیرند

عمده ترین دستاویز محافل نژادپرست برای حمله به ایرانیان، موج بمب گذاری اخیر در کپنهاک بود. روز اول مرداد ماه، یعنی ۲ روز قبل از تهاجم به هتل گراند، در ساختمان متعلق به اسرائیلی ها، انفجار شدیدی به وقوع پیوست. در این انفجار ۲۷ نفر مجروح شدند. بنا به اطلاع پلیس "سازمان جهاد اسلامی" مسئولیت این بمب گذاری را بر عهده گرفت. در همان روز یک بمب دیگر منفجر شد و بمب سومی نیز از سوی مسئولین کشف و خنثی شد. فردای آن روز، یعنی دوم مرداد نیز بمبی در یکی از نقاط پر رفت و آمد کپنهاک کشف گردید. این حوادث در نشریات دانمارک به نحو گسترده ای بازتاب یافت و خوراک تبلیغاتی عظیمی برای محافل راست و نژادپرست فراهم ساخت. با آنکه "سازمان جهاد اسلامی" مسئولیت این حوادث را بر عهده گرفته بود ولی احزاب و دستجات فاشیست، از این وقایع به منظور ایجاد و گسترش جو خارجی ستیزی استفاده کردند، آنها کوشیدند تا چنین وانمود سازند که گویا پناهندگان باعث و بانی چنین

سیاستی هم اینک از سوی مطبوعات و رسانه های غرب تبلیغ می شود. آنها می کوشند موج نارضایتی عمومی مردم را علیه خارجیان جهت داده و بدین وسیله، علت های اصلی بحرانی های اجتماعی را پرده پوشی کنند.

دانمارک کشور کوچکی است با جمعیت پنج میلیون نفر و در بین کشورهای اسکاندیناوی از موقعیت اقتصادی پائین تری برخوردار است. سیاست های راست حاکم بر دولت اشلوتر و بحرانی های فراگیر دنیای سرمایه داری و همچنین مشکلات عیدیه اقتصادی ناشی از عضویت دانمارک در بازار مشترک، جملتی باعث گسیختن شیرازه اقتصاد دانمارک شده اند. بر طبق آمار دولتی ۲۰۰ هزار نفر بیکار در دانمارک وجود دارد که در آمار غیر رسمی، این رقم به ۵۰۰ هزار نفر نیز بالغ می شود. در آمد اصلی دولت، از مالیات ها است. از اینرو، نرخ و میزان اخذ مالیات در دانمارک در سطح فوق العاده بالائی قرار دارد. کرون واحد پولی دانمارک مرتباً سقوط کرده و ارزش خود را از دست می دهد. بطوریکه نرخ برابری دلار با کرون، از ۹/۹۹ در سال ۸۴ به ۱۲/۸۵ در سال ۸۵ رسید.

مردم دانمارک بویژه کارگران این کشور برای مقابله با ناهنجاری های موجود دست به اقدامات گسترده ای زده اند که برجسته ترین آنها اعتصاب بزرگ کارگران در بهار سال جاری بود. گسترش این مبارزات نیروهای ارتجاعی را دچار وحشت ساخته است. آنها برای انحراف اذهان از مشکلات جاری تبلیغات ضد خارجی را دامن زده اند و ادعا می کنند که علت بیکاری

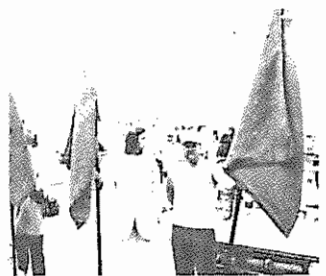


پناهندگان در اجتماع پشتیبانی از پناهندگان سیاسی که به دعوت حزب کمونیست و سندیکامای کارگری برپا شد.

حوادثی می باشند. به عنوان نمونه در صفحه نخست روزنامه اکسترا بلادت طرحی از یک خارجی با موهای سیاه ساکی پر از بمب چاپ شد و در توضیح طرح نوشته شد: اینها، اینجا چه می خواهند؟

در جریان یورش

بر پناهندگان ایرانی چه گذشت
بر چنین زمینه ای بود که ماجرای شهر کالنبورگ پی ریخته شد. اوپاش بسیج شده به محل سکونت پناهندگان ایرانی یورش بردند. بنا به گفته مقامات دولتی، پلیس دانمارک از واقعه دیر اطلاع یافت. نفرت محدود پلیس که اعزام شد بودند برای کنترل اوضاع کفایت نکرده و در نتیجه نیروهای انتظام برای اقدام موثر منتظر رسیدن نیرو، کمک شدند. در چنین وضعیتی و اوپاش مهاجم فرصت چند ساعته؛ داده شد که هر چه می خواهند بکنند.



هرچم حزب کمونیست و سندیکامای کارگری، در پیشاپیش تظاهرات پشتیبانی از پناهندگان سیاه درگیری و یورش نیروهای نژادپرست به همان حرکت و همان شب خاتمه نیافت، و تا چند روز ادامه یافت. اوپاش نژادپرست چنان تحریک شده بودند که حتی آن عده ا شهر وندان دانمارکی را که نسبت به پناهندگان همدردی نشان داد بودند نیز مضروب ساختند.

مهاجمین در شنبه ۵ مرداد، شباً به کمپ دیگری در نزدیکی شهر کالنبورگ یورش بردند و در ورودی ساختمان را با کوکتل مولوتف به آتش کشیدند.

در چنین شرایطی پناهندگان عملاً در محل اقامت خود حبس شدند. مهاجمین امکان خروج آنها را سلب کرده بودند. خروج از محل با خطر مرگ همراه بود. مقامات دولتی با تقاضای پناهندگان مبنی بر انتقال به شهری دیگر بی توجهی نشان می دادند. پلیس دانمارک ظاهراً مسئولیت حفاظت از اقامتگاه پناهندگان را بر عهده گرفت ولی یورش نیروهای فاشیست کماکان ادامه یافت. در تلویزیون دانمارک، سخنان و مصاحبه های مهاجمین به طور کامل

بازتاب همبستگی با مردم ایران در مطبوعات مرفی هندوستان

بیمان فدائیان

نشریه "دموکراسی مردم" ارگان حزب کمونیست هند (مارکسیست) در شماره چهاردهم ژوئیه خود می‌نویسد: در روز ۲۹ ژوئن (۸ تیر) "حمید اشرف همراه با ۹ تن از دیگر رهبران سازمان در یک نبرد مسلحانه با پلیس فاشیست شاه دست نشانده به شهادت رسیدند."

این روزنامه با اشاره به نقش فدائیان در مبارزه علیه رژیم شاه و رژیم خمینی می‌افزاید: "فدائیان... به منظور سرنگون ساختن رژیم ضد مردمی خمینی مبارزه می‌کنند." مجله "لینک" نیز در هفتم ژوئیه با چاپ یکی از بیانیتهای مطبوعاتی هواداران سازمان در هندوستان، یاد رفیق حمید اشرف و دیگر رهبران سازمان را گرامی داشت و شهادت از سیاستهای انقلابی سازمان را بازتاب داد.

بمناسبت ۸ تیر روز شهادت سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، مطبوعات هندوستان به درج مقالات و مطالبی در گرامیداشت فدائیان شهید پرداخته، مبارزه فداییان خلق را مورد حمایت قرار دادند.

روزنامه "پتریوت" مورخ سی‌ام ژوئن، با درج خبری در رابطه با اقدامات فدائیان خلق در هندوستان، با معرفی رفیق حمید اشرف که در دشوارترین روزهای رژیم سرکوبگر شاه سازمان فدائیان را رهبری نمود، یاد او و نه هرزم مبارزش را گرامی داشت.

روزنامه پتریوت در پایان افزود: این سازمان پیوسته برای اتحاد بین تمام نیروهای مردمی در زیر لوای جبهه متحد خلق... مبارزه می‌کند.

مبارزه برای پایان دادن به جنگ

ارقامی از تلفات و خسارات وارده را درج نمود. روزنامه مزبور در ادامه این مقاله به تلفات و خسارات جانی و مالی ناشی از جنگ شهرانیز پرداخته و از ادامه جنگ اظهار تاسف کرده است همچنین روزنامه اردو زبان "پرتاب" مورخ بیست و هشتم ژوئن به درج خبری راجع به نمایشگاه عکسی که فدائیان خلق و توده‌ای‌ها در منطقه "بیاری لال بهوان" در دهلی‌نو دایر کرده بودند، مبادرت ورزیده است. این روزنامه می‌نویسد نمایشگاه نشان دهنده خرابیها و چنایاتی بود که جنگ ایران و عراق ببار آورده است.

دفاع از زندانیان سیاسی ایران

بکوشند. همچنین روزنامه "بلیتز" در راستای دفاع از اسیران دربند توده‌ای، ضمن درج مقاله‌ای تحت عنوان "ایران وتوده"، به چاپ عکسی از صحنه اعدام رفیق هوشنگ انوشه در زمان شاه مبادرت ورزیده، سرکوب وحشیانه حزب توده ایران توسط رژیم جمهوری اسلامی را محکوم نمود. روزنامه با اشاره به خیل شهیدان توده‌ای از سال‌های حکومت شاه تا دوران حکومت خمینی، به ستایش قهرمانانی که بسان انوشه در لحظه تیرباران نیز سایه مرگ در چهره‌شان دیده نمی‌شود، می‌پردازد.

نشریه دموکراسی مردم ارگان حزب کمونیست هند (مارکسیست) در شماره چهاردهم ژوئیه ۱۹۸۵ خود بیانیته صادره از طرف هواداران سازمان و هواداران حزب توده ایران در هند را به چاپ رسانده است. در این بیانیته از مردم صلح دوست هند خواسته شده است که به کوشش‌های خود ادامه داده، صدایشان را علیه جنگ ایران و عراق رستار کنند.

روزنامه هندی زبان "جان سنا" چاپ دهلی نیز ضمن چاپ مقاله‌ای پیرامون اثرات فاجعه‌بار جنگ،

روزنامه "استیس من" در تاریخ یازدهم ژوئیه ۱۹۸۵ با درج خبر مربوط به محاکمه رهبران سازمان و حزب، نوشته است: محاکمه زندانیان ایران در زندان بدون دلیل است. این روزنامه در پایان افزوده است: کمیته دفاع از زندانیان سیاسی به منظور دفاع و محافظت از جان زندانیان و بر علیه اینگونه سرکوب‌ها خواستار بسیج افکار عمومی در هند گشته است. روزنامه پرتاب نیز با چاپ مطلبی تحت عنوان "اعدام زندانیان سیاسی" از آزادیخواهان جهان خواسته است در راه آزادی زندانیان سیاسی ایران



دبیر اول حزب کمونیست دانمارک در میان پناهندگان سیاسی

دبیر اول حزب کمونیست در آن بود. او برای اعلام حمایت بیدریغ حزب از پناهندگان ایرانی شخصا در تظاهرات شرکت جسته و با ایرانیان به گفتگو نشست. تظاهرات این روز صحنه نور انگیزی از همبستگی میان خلق‌ها بود. با حمایت فعال کمونیستها، سندیکاها کارگری و دیگر نیروهای صلح و ترقی حملات مهاجمین متوقف گردید. اما هنوز هم مطبوعات وابسته به جناحهای راست افراطی این کشور به تحریک در جهت برپایی بلوهای تازه ادامه می‌دهند.

ش شد. اما تنها بخش کوتاهی از صاحب یکی از پناهندگان را پیش دند. در روز دوشنبه ۷ مرداد، ماجمین به اقدام بیشرمانه و سابقه‌ای دست زدند. آنان به مارستانی که مجروحین ایرانی در بستری بودند. یورش بردند و قصد کت مجروحین را داشتند که از تمام نیت شوم خود باز داشته شدند.

نایت نیروهای مرفی از مهاجرین در حالیکه دستجات راست راطی هم چنان سعی در تحریک مردم به مهاجرین ایرانی داشتند، حزب ونیست دانمارک و نیروهای مرفی مقابله با اینگونه تبلیغات و نامات فاشیستی بر خاستند. بوعات حزب و دیگر نشریات پیشرو افشای مهاجمین و پشتیبانی از اهندگان ایرانی برخاستند. در روز شنبه ۷ مرداد ماه به دعوت حزب ونیست و هواداران صلح برای از همبستگی با ایرانیان تظاهرات پا شد. این تظاهرات تا هتل گراند، ل اصلی درگیرها ادامه یافت. از ات برجسته این تظاهرات شرکت

در حاشیه حوادث اخیر دانمارک

اعمال فشار بر پناهندگان سیاسی ایران با گسترش مناسبات کشورهای غربی با جمهوری اسلامی رابطه‌ای قوی و مستقیم دارد. بی‌گمان این عامل مهمی در شکل‌گیری حوادث اخیر در دانمارک است. دولت دست راستی اشلوتر در دانمارک رابطه اقتصادی گسترش یابنده‌ای با رژیم جمهوری اسلامی دارد. تقریباً هر زمان با حمله به پناهندگان ایرانی در شهر کالن بزرگ دانمارک، سفیر دانمارک در تهران با خامنه‌ای دیدار داشت و در این دیدار خواهان گسترش مناسبات کشور متبوعش با جمهوری اسلامی شد. (کیهان هوایی ۹ مرداد)

اعمال فشار بر پناهندگان همواره با بهانه‌هایی همراه است. از جمله این بهانه‌ها رفتار نا بهنجار برخی از ایرانیان مهاجر می‌باشد. جالب این جاست که این دسته از ایرانیان، عموماً به دستجات سلطنت طلب وابستگی دارند که از حمایت همه جانبه دولت‌های غربی و دستجات راست این کشورها برخوردارند، زودتر از بقیه بطور حتم پاسپورت پناهندگی می‌گیرند و امکانات بیشتری به آنها تعلق می‌گیرد. در واقع بهانه گیرها به افرادی که بهانه دست آنها می‌دهند کاری ندارند و توده ایرانیان را زیر ضرب می‌برند.

آنچه که در شهر کالن بزرگ دانمارک پیش آمده، بعید نیست که در دیگر شهرهای این کشور تکرار شود و کاملاً محتمل است در کشورهای دیگر نیز، همپای باجی که از جمهوری اسلامی می‌گیرند، پیش آید. این موضوع اتحاد عمل پناهندگان مرفی ایرانی را بیش از پیش ضروری سازد. در این میان بطور جدی چاقو کشی‌ها و اوباشگریهای همانند ماجرای که کسانی به نام هواداری از "اقلیت" در شهر سیلکه بزرگ دانمارک به راه انداختند را باید محکوم ساخت و عاملین آن را به اندیشه و تفکر فرا خواند.

مهمترین مانع در برابر اعمال فشار بر پناهندگان علاوه بر اتحاد عمل مهاجرین سیاسی، پیوند فشرده آنها با احزاب سیاسی انقلابی و مرفی کشورهایی است که در آنجا به سر می‌برند. از نحوه برخورد احزاب سیاسی کشورها با مساله پناهندگان، می‌توان پی برد که تلقی آنها در قبال مسائل کشور ما چیست. همین حوادث دانمارک نشان داد که تنها احزاب کمونیست سازماندهی به راستی ترقیخواه و صلح دوست، در نزد افکار عمومی کشورشان از پناهندگان دفاع کرده و در برابر نیروهای راست به مقاومت بر می‌خیزند.

خمینی: هر کس در انتخابات شرکت نکند، مخالف جمهوری اسلامی است

روز سه شنبه هفته گذشته موسوی اردبیلی، موسوی خوئینی ها، اعضای شورای عالی قضایی، ولایتی، سفرای جمهوری اسلامی در قاره های اروپا و آمریکا و جمعی از مقامات پلیس قضایی، در چارمن، با خمینی دیدار کردند.

خمینی در این دیدار، ابتدا به مسائل قوه قضائیه اشاره کرد و گفت: "باید پرسنل این قوه تقویت بشود" وی از اعضای حوزه علمیه قم خواست که وارد قوه قضائیه شوند و به "تکلیف" خود عمل کنند. خمینی در این قسمت بر روی ضرورت دقت در شلاق زدن متهمین در محکمه های شرعیه تاکید ویژه ای کرد و گفت: "اگر کسی محکوم به ۷۰ ضربه شلاق شده، اگر به او ۶۰ ضربه بزنید، معصیت کرده اید."

مهمترین بخش صحبت خمینی در ملاقات ۸ مرداد، به انتخابات رئیس جمهوری اختصاص داشت. وی انتخاب بین خامنه ای و عسکراولادی را به هیات حاکمه محول نمود و گفت: "من کار ندارم که می خواهد رئیس جمهور باشد." وی طبق معمول تاکید کرد که باید در این انتخابات بیشتر از هر اهتمام دیگری اعداد و ارقام بالا باشد. وی خطاب به ناراضیان داخل حاکمیت از جریان انتخابات و کاندیداهای معرفی شده از سوی شورای نگهبان، گفت: "کسانی که جمهوری اسلامی را صحیح می دانند، ولی اشخاص را قبول ندارند، باید شرکت نکنند."

خمینی که آشکارا نشان می داد از تحریم انتخابات توسط سازمانهای مترقی و مردمی در هراس است، به تهدید مردم پرداخت و اظهار کرد: "هر کس شرکت نکند، مخالف جمهوری اسلامی است."

از ۵ نفر کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری فقط ۳ نفر تایید شدند

شورای نگهبان اسامی سه نفر از کاندیداهای مورد تایید این شورا برای انتخابات ریاست جمهوری را اعلام کرد. این سه نفر عبارتند از: خامنه ای، عسکراولادی و محمود مصطفوی کاشانی. بدین ترتیب ۴۷ نفر دیگر که خود را برای این انتخابات کاندیدا کرده بودند، حذف گردیدند. در میان این عده اسامی بازرگان، پرورش و عبدخدایی در مطبوعات رژیم ذکر شده بود.

اطلاعیه شورای نگهبان در مورد پذیرش کاندیداتوری خامنه ای، عسکراولادی و کاشانی کوتاه بود و در آن به علت حذف ۴۷ نفر دیگر، اشاره ای نشده بود. حذف این عده نشان دهنده شکنندگی حاکمیت و هراس آن حتی از تظاهر به اعمال بی طرفی در انتخابات است.

"مجلس اعلای انقلاب اسلامی"

در هفته های اخیر تبلیغات رژیم پیرامون تشکیلاتی که تحت عنوان "مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق" در ایران فعالیت می کند، فزونی گرفته است. در هفته گذشته در رسانه های جمعی جمهوری اسلامی تبلیغات زیادی حول شرکت افراد "مجلس اعلای" در عملیات قدس ۴ صورت گرفت. روزنامه جمهوری اسلامی نیز مقاله ای را به توصیف آنان اختصاص داد. و رنگون ساختن صدام و برپایی جمهوری اسلامی در عراق را بر عهده آنان نهاد. رفسنجانی نیز در نماز جمعه هفته گذشته تاکید خاصی روی آنان کرد و شرکت آنان در عملیات قدس ۴ را یک تحول جدید در جنگ، توصیف نمود.

هلا... غرور بلند

کدام دست، تراء بست؟
کدام باد، ترا برد؟
ترا که رویش اندیشه های سرخ امیدی
ترا که سبزی دشتی و زردی خورشید
چه قدرتی ایدوست
ترا به مرز اسارت برد؟
مگر نمیدانست
که دستهای تو، دستان کاری دشت است
که چشموهای تو سر سبزی بهاران است
و در تراکم غمگین قحطی "بیجار" *
صدای آواز تو
صدای روشن آواز مرغ بهاران است
که بی تو شهر شمالی ما -
شمالی نیست؟
سلام گفتی و گفتیم:
سلام، قربانت
سلامتی دیدی
سلام ما برسانی

شیار سرخ لببت می خواند
سرود کهنه ناسلامتی ها را
همیشه می گفتی:
دل من همیشه زلندی باد می ترسد
و در نهایت اندوه خشکسالی دشت -
سخت می لرزد.
نظر به قله البرز کردی و گفتی:
هلا... صلابت دیرین!
هلا... غرور بلند!
بجای خواهم ماند.
کنونکه باد، ترا برد
کنونکه دشت،
سیه گشت
دو چشم سبز ترا باغ آرزومند است
بیابه شوکت جمعیت خمسته ما
که چشمهای تو سر سبزی بهاران است
که دستهای تو ما را نشان آزادیست

رضامه قصدی
* شالیزار

کاهش قیمت نفت

در اجلاس اخیر وزرای نفت کشورهای عضو اوپک قیمت نفت سنگین ۵۰ سنت و قیمت نفت سب ۲۰ سنت کاهش یافت. این موضوع بر تکرانی جمهوری اسلامی به خاطر کمبود درآمد ارزی افزوده است. چند که جمهوری اسلامی در اوپک با کاهش قیمت نفت مخالف بود اما در عمل برای کسب دلار، نفت کشور را به هر قیمت و به هر میزانی که میسر باشد، در بازار آزاد به فروش می رساند.

وضعیت صنایع سنگین

بهزاد نبوی در گردهمایی یک روزه مدیران واحدهای تحت پوشش سازمان گسترش و نوساز صنایع، وضعیت کارخانجات وابسته به این سازمان را تشریح کرد و گفت تولید واحدهای تحت پوشش این سازمان، یک سیر نزولی می بینیم و در سه ماهه اول امسال نسبت به دوره مشابه سال قبل ۲۴ درصد تنز داشته است و اگر این روند ادامه پیدا کند، سازمان گسترش و نوسازی، در سال جاری بیش از ۸۰۰ میلیون تومان، زیان خواهد داد و وی در این سخنرانی اعتراف کرد سیاستی که حاکمیت عمل پیش می برد اینست که جلوی تولید برخی از کالاها گرفته شده و در عوض مشابه آن از خارج وارد گردد.

انفجار بمب در تهران

روز سه شنبه هفته گذشته بمبی در خیابان نام خسرو منفجر شد که سه نفر کشته و ۱۷ نفر زخمی برده نهاد. این بمب گذاری، مشابه با بمب گذاری ها سلطنت طلبانی است که برای دولت عراق مزدور می کنند.

در هفت ماهه اخیر این شمشین انفجار از این نوع بود.

چند خبر کوتاه

- روز سه شنبه اول مرداد، ری شهری رئیس ساواک جمهوری اسلامی با خمینی دیدار داشت.

- ولایتی در اوایل هفته گذشته به دنبال سف رفیق دوست وزیر سپاه پاسداران به لیبی، به ایر کشور مسافرت نمود.

- ملک فهد پادشاه عربستان از طریق یکی از مقامات وزارت خارجه جمهوری اسلامی برای خامنه ای نامه ای فرستاده است. مضمون این نامه فاش نگردیده است.

- عده ای از نمایندگان مجلس، وزیر ارشاد را در مورد علت اجازه به انتشار روزنامه آزادگان قبل از توقیف این روزنامه، مورد سوال قرار داده اند.

- در ساعت ۸ و ۴۵ دقیقه صبح روز چهارشنبه ۹ مرداد، در تهران وضعیت قرمز اعلام شد. رژیم ادعا کرد که هواپیماهای عراقی قصد حمله به تهران را داشته اند. عراق این موضوع را تکذیب کرد.

- لایحه مجازت عبور دهندگان غیر مجاز افراد از مرزها، به تصویب مجلس رسید.



بحران در صنایع کشور

* کارخانه شیراز پلاستیک بخاطر فقدان ارز و کم‌گشایش اعتبار، از تامین مواد اولیه درمانده شد. مدیریت به کارگران اطلاع کرده است که از پس کارخانه درازا یک ماه کار، یک ماه هم بایستد می‌شود. در ماههایی که کارخانه تعطیل می‌شود کارگران به مرخصی بدون حقوق فرستاده خواهند شد.

* کارخانه به آرا نیز بخاطر کمبود مواد اولیه آستانه توقف تولید قرار گرفته است. این رخانه که تولید کننده حشره کش و سموم مختلف است، مواد اولیه اش را از خارج باید وارد کند. اما لت توانایی تامین ارز مورد لزوم را ندارد.

اکنون بخاطر کمبود حشره کش در بازار کشور است آن به نحو سرسام آوری افزایش یافته است. نه می‌شود حشره کش از در تا ۲۵۰ تومان هم معامله است.

* در واحد تولیدی سایپا بخاطر سوء مدیریت و اختلالات در کار تولید گسترش بازم بیشتر شده است. گفته می‌شود این کارخانه سه میلیارد ل بدهی خارجی بهم زده است اما تاکنون هیچ‌کس اطر بروز این وضعیت تحت پیگرد قرار نرفته است. در چنین شرایطی تامین مواد اولیه مورد نیاز رخانه بسیار دشوار شده و حجم تولید به شدت تنزل شده است. خطر اخراج کارگران را تهدید می‌کند.

* در کارخانه بلموند نیز امور تولید متوقف است. از کارگران خواسته شد که از آمدن به سر خودداری نمایند. برای کارگران در ایام یلی کارخانه تنها ۴۰ درصد حقوق و مزایا در نظر نهاده اند.

* کارخانه ایران ترانسفورماتور نیز یکی از خانه‌جاتی است که در معرض تعطیل قرار گرفته است. در این کارخانه علاوه بر کمبود مواد اولیه، مداوم برق نیز از جمله عوامل تنزل سطح تولید باشد.

مدیریت این کارخانه بخاطر افت شدید بدات، از پرداخت حق بهره‌وری کارکنان سرباز است.

* مجتمع فولاد مبارکه اصفهان بخاطر ناتوانی ت از برآورده ساختن نیازهای مالی این واحد، بحران شدیدی شده است. اکنون ادامه کار این یغ زیر سؤال رفته است. در سال جاری حقوق نه کارکنان را با تاخیر چند هفته‌ای پرداخت می‌ند. علاوه بر این گروهی از کارکنان قراردادی را اخراج ساختند.

* در پالایشگاه کنگان امور تولید از هم پاشیده است. این واحد بزرگ اینک در معرض تعطیلی گرفته است. خطر اخراج جمعی کارکنان این را تهدید می‌کند.

* در پلی اکریل مدیریت اعلام داشت بودجه برای اداره امور عادی شرکت را نمی‌تواند ن نماید. با همین بهانه قرارداد کار ۱۵۰ کارگر

قراردادی این شرکت را فقط برای دو ماه تجدید کرده‌اند.

* در کارخانه ترازوسازی باختران در بی نارسایی‌های تولید مدیریت ۴۵ تن از کارگران را از کار اخراج ساخت.

در همین شهر بخاطر رکود بازار بسیاری از کارگران کارگاههای تولیدی از کار بیکار شدند. در ۱۷ کارگاه تولیدی کارگران اخراجی بیش از نیمی از کل کارگران را شامل می‌شدند.

انجمن اسلامی

ارگان جاسوسی، بازوی سرکوب

در کارخانه پارس مثال تهران نیز همچون دیگر واحدهای تولیدی، انجمن اسلامی بعنوان چشم و گوش و گاه بازوی رژیم عمل می‌کند. اخیرا این انجمن تعدادی از کارگران را تحت عنوان "افراد نامطلوب" به ستاد مرکزی مقدمات واقع در میدان جمهوری معرفی نموده است. "بیج" کارخانه‌ها تحت پوشش ستاد مرکزی مقدمات می‌باشد. در این مرکز طی نامه‌هایی افراد "نامطلوب" را به سپاه دعوت می‌نمایند و با نشان دادن حکم جلب دادستانی از آنها تعهد سکوت و عدم پیگیری حقوقشان را می‌خواهند تهدید می‌کنند که در صورت عدم تعهد زندانی خواهند شد.

در همین کارخانه مدتی پیش انجمن اسلامی، از خضائلی نماینده مجلس برای سخنرانی دعوت بعمل آورد با آنکه در روز موعود سرویسهای آمد و رفت را تا پایان سخنرانی متوقف کردند اما به جز افراد معدودی بقیه کارگران بدون سرویس کارخانه را ترک نمودند.

کارگران

مدیران مکتبی را اخراج کردند

کارخانه نوافرم، تولید کننده انواع لامپ و تحت پوشش بنیاد مستضعفان است. اخیرا بدنبال تغییراتی در کادر مدیریت این کارخانه مدیر عامل تازه‌ای را منصوب کردند. مدیر عامل مکتبی مورد تأیید بنیاد یک جوان دانشجو است و برای کمک به او نوجوان ۱۷ ساله‌ای را هم ست معاونت دادند.

کارگران این کارخانه که ۱۲۰ نفر می‌باشند. در اعتراض به این جابجائی دست به اعتراض می‌زنند. آنها پس از اعلام کم‌کاری، مجمع عمومی کارکنان را بر پا می‌کنند. نماینده بنیاد که برای فریب کارگران و توجیه انتصابات تازه در مجمع عمومی شرکت جسته بود با موجهی از اعتراض کارگران در این زمینه مواجه می‌شود. کارگران علاوه بر این بسیاری دیگر از مطالبات صنفی خود را نیز طرح نمودند.

بی‌توجهی مسئولین بنیاد در رسیدگی به خواست بر حق کارگران باعث گردید که حرکت اعتراضی چندین روز به درازا بکشد. کارگران هر روز در محل ناهارخوری، کارخانه با قاتق‌زنی و دادن شعار خواسته‌های خود را بی می‌گیرند. این حرکت پس از یک هفته با پیروزی کارگران پایان می‌یابد و مسئولین بنیاد انجام تغییراتی را در کادر مدیریت در جهت خواسته کارگران پذیرفتند.

اعتراض پیروزمند کارگران ذوب آهن

در ذوب آهن اصفهان روال همیشگی این بود که هر گاه روزهای کار کارگران شیفتی، با روزی تعطیل مصادف شود، درازا کار این روز اضافه کاری پرداخت شود. اما اخیرا شرکت ملی فولاد ایران طی بخشنامه‌ای به ذوب آهن اطلاع نمود که این روش از این پس ملغی می‌گردد و حقوق کارگران در ایام تعطیل به اندازه روزهای عادی است. ظاهرا صدور این بخشنامه جز اقداماتی است که رژیم برای غلبه بر افلاس و ورشکستگی اتخاذ کرده است.

انتشار این خبر در میان کارگران شیفت کار موجی از اعتراض برمی‌انگیزد. آنها برای بیان اعتراض خود به تهیه طوماری اقدام می‌کنند. در همان ساعات اولیه صدها تن از کارگران با امضای طومار عزم خود را برای مقابله مشترک با اجحاف تازه اعلام می‌دارند. واکنش سریع و جمعی کارگران در برابر این تصمیم، مسئولین را به هراس انداخت. آنان که نگران برپائی اعتصاب تازه‌ای در ذوب آهن بودند در روز اول تیرماه این بخشنامه را پس گرفتند و اعلام داشتند اضافه کاری، روزه‌ای تعطیل به روال گذشته پرداخت شود.

خشکسالی درمازندران

درمازندران از آغاز سال جاری تاکنون باران نباریده است. این خشکسالی کم سابقه خسارات جبران ناپذیری به مزارع برنج، صیفی کاری و باغات مرکبات ببار آورده است. هر روزه در شهرهای این استان در برابر ادارات آبیاری، فرمانداری و... گروهی از کشاورزان گرد آمده و خواستار اقدامات مسئولین می‌شوند. خواست کشاورزان افزایش سهمیه آب کشاورزی از سد لار، تامین موتورسیپم و حفار چاه می‌باشد. اما راه حلی که مقامات محلی ارائه می‌کنند توسل به دعای باران است. به همین منظور از سوی واحدهای بسیج و این قبیل ارگانهای حکومتی در روستاها جلسات دعا برگزار شده است.

تابلوئی ازرنج

یوسف زکریائی، یکی از کارگران زحمتکش ارومیه بود. چند سال قبل هنگامیکه در رودخانه شهرچای به شنا مشغول بود توسط مامورین رژیم جمهوری اسلامی دستگیر شد. او را بخاطر این عمل غیر شرعی! در هانجا چندان مورد ضرب و شتم قرار دادند که دیگر هیچگاه از عوارض آن رهایی نیافت. یک بار دیگر نیز پاسداران یوسف را در حین عبور از خیابان دستگیر کردند. این بار جرم او نقض منع عبور مرور اعلام شده شبانه بود. او که دچار اختلال شنوایی بود قادر نشد به پرسشهای آنان پاسخ دهد از اینرو یکبار دیگر با مشت و لگد بجانش افتادند. ضربات وارده چنان بود که سلامتی روانی او مختل گردید. بار سوم او را در حالیکه در بیرون شهر سرگردان بر می‌برد دستگیر ساختند. جرمی که این بار به او نسبت دادند سوزندان اوراق دعا بود. لذا در کمیته جهود لرداگی او را با شلاق تعزیر و سپس زندانی می‌کنند.

یوسف دیگر به کلی به اختلال حواس دچار شد و اکنون پریشان و پژمرده در کوچه و خیابان پرسه می‌زند. سرنوشت دردانگیز این کارگر شریف جلوه‌ای از دناشت پیشگی رژیم بربرمنش خمینی است.

بقیه از صفحه اول

و امپراتوری انگلیس، در مرحله نخست خود توانست به لحاظ اتحاد عمل گروههای شرکت کننده، نیروهای فئودالی و استعماری را یک مرحله به عقب راند و تنظیم قانون انتخابات و تشکیل مجلس شورای ملی و امضای قانون اساسی و متمم آن را به دربار تحویل کند.

در تمامی دوران انقلاب، زنان با وجود محدودیت های اجتماعی و خانوادگی و با وجود مخالفت روحانیون مرتجع، فعالانه در نهضت شرکت جستند. نفرت از دربار قاجار، از مداخلات دولتهای امپریالیستی، از ستم های فئودالها، از بی قانونی و استبداد، در زنان و مردان برابر بود. علاوه بر این، زنان که از ستم مضاعف رنج می بردند، رهائی از وضعیت درد انگیزی را که بخاطر "زن بودن" تحمل می کردند، در پیروزی انقلاب می دیدند.

در آن دوران، غیر انسانی ترین و شنیع ترین اعمال و رفتار در حق زنان روا می شد. زنان در خانواده و اجتماع نه مقام و منزلتی داشتند و نه نامی از آنان برده می شد. بردگانی بودند که دنیای بزرگشان به چهار دیواری خانه و چادر سیاه با نقاب متبک و چاقچور محدود می شد. از تعلیم و تربیت خبری نبود. دختران بدون رضایت خود و در طفولیت به عقد کسی در می آمدند و همینطور نیز سیفه طلاشان را روحانیون جاری می کردند و چه بسیار موارد که چون کالا خرید و فروش می شدند و یا وثیقه مالی قرار می گرفتند. کسروی در کتاب تاریخ مشروطیت از ماجرای فروش دختران قوچانی چنین یاد می کند:

"در سال گذشته در خراسان ملخ خواری شد، و کشتها بار ن داده بود. مردم به شاه نامه نوشته و دادخواهی کردند و شاه گفت کسی برای بازرسی فرستاده شود... عین الدوله گوش نداد و آصف الدوله و کارکنان او فشار آورده مالیات خواستند و مردم ناگزیر شده دختران خود را فروختند که ترکمانها خریدند. دیگر آنکه سالار مفخم بنوردی از سوی دولت برای جلوگیری از تاخت و تاراج ترکمانها می بود و سالانه پولی از آن باره می گرفت. آصف الدوله آن پول را برید و او نیز ترکمانان را برانگیخت که بخاک قوچان ریختند و پس از کشتار و تاراج شصت تن کمابیش از زنان و دختران را دستگیر کرده با خود بردند و در عشق آباد فروختند (تاریخ مشروطه ایران، کسروی)

چنین اعمال نفرت انگیز و رقت بار و چنین جور و ستمی نمی توانست زنان رنج کشیده و مظلوم را باطنین خروشان انقلاب مشروطیت هم آوا نسازد. زنان در همه صحنه های نبرد شرکت می کردند، در پست نشینی ها، میتینگ ها، تظاهرات خیابانی، مجالس جشن و تفریح، در خبررسانی، تهیه امکانات برای پشت جبهه و حتی نبرد مسلحانه فعالانه حضور داشتند.

تزاری موافقت کند. مجلس چنین تقاضایی را رد کرد. شاه و صدراعظم بر تایید آن اصرار ورزیدند. موضوع به میان توده مردم کشیده شد و در محافل و مجالس بحث داغی بر سر آن در گرفت. انقلابیون تبریز پیشنهاد کردند که دولت ضمن سر و سامان دادن به دخل و خرج خود، به تأسیس بانک ملی اقدام کند. این نظر، مورد استقبال عامه مردم قرار گرفت. در این زمینه نیز

به مناسبت ۱۴ مرداد، سالروز انقلاب مشروطیت

زنان در انقلاب مشروطیت

با اوج گیری جنبش، زنان نیز گسترده تر و فعال تر در عرصه نبرد ایفای نقش می کردند. آنها در تظاهرات عمومی به نحو موثری شرکت می ورزیدند. جلوی کالسکه شاه را گرفته و مطالبات خود را مطرح می ساختند، روحانیون را از خانه های خود بیرون آورده و آنها را وادار می نمودند که از خواسته های مردم حمایت کنند. با نیروهای مسلح حکومتی درگیر می شدند. به محاصره شدگان در درگیریها کمک می کردند. در تخریب بنای بانک استقراضی بیش از ۲۰ تن از زنان نیز شرکت داشتند. شیخ فضل الله نوری به رغم مخالفت مردم، قلعه زمینی را در وین شهر تهران به این بانک روسی فروخته بود تا ساختمان بانک در آن تأسیس شود مردم در یک واکنش جمعی مانع این کار گردیدند. عین الدوله (صدراعظم وقت) از مبارزات بی امان و خستگی ناپذیر زنان در بسیج توده های مردم و نبرد بی گهرشان برای تحقق اهداف انقلابی به هراس افتاده و به نیروهای مسلح دستور داد که از بیرون آمدن و اجتماع زنان جلوگیری بعمل آورند. "امروز از بیرون آمدن زنان جلوگیری می کنند و هر که را از ایشان می دیدند می گرفتند و در قراولخانه نگه می داشتند. زیرا دیروز میان یک دسته از آنان با سربازان و قزاقان کشاکش رو داده بود." (تاریخ مشروطه ایران، کسروی)

به دنبال پیروزی انقلابیون و امضای فرمان مشروطیت، شاه و صدراعظم (مشیرالدوله) از همان آغاز بر آن شدند که مجلس را موافق و همدستان خود سازند. و برای همین از مجلس می خواستند که با تقاضای دربار و دولت مبنی بر گرفتن بیست کرور تومان وام از بانک استقراضی و شاهنشاهی در مقابل پذیرش پیشنهادات دولت انگلیس و روسیه

زنان پیشگام شدند. "زنان گفتگو از فروش گوشواره و گردن بند به میان آوردند. روزی در پای منبر سید جمال واعظ در مسجد میرزا موسی، زنی بپا خاسته چنین گفت: دولت ایران چرا از خارجه قرض می کند. مگر ما مرده ایم؟! من یک زن رخت شوری هستم به سهم خود یک تومان می دهم. دیگر زنهای حاضرند. از این گونه نمایش های سیار روی می داد."

بعد از تشکیل مجلس، از سوی مرتجعین اقداماتی صورت می گرفت که قانون اساسی تدوین نشود و اساسا مجلس از همان آغاز از هم پاشیده و پیش نرود. شاه و دربار به طرق گوناگون در این راه تلاش می کردند. شیخ فضل الله نوری به همراه دار و دسته خود علم "قانون مشروطه" را بر افراشته و با موجودیت مجلس مخالف بود. در داخل مجلس نیز گروهها و دسته هائی کار را ختم شده تلقی کرده و از فعالیت علیه دشمنان انقلاب باز ایستاده بودند. زنان اینجا نیز از خود رشادت نشان داده و بار دیگر به طرف مجلس به راه افتادند. "روز چهارشنبه بیست و چهارم اردیبهشت در اینجا نیز تکانی پدیدار شد. بدینسان که گروهی از زنان دسته ای بستند و برای طلبیدن قانون اساسی به مجلس رفتند. این بار دیگر بود که زنان رو پوشیده ایران با چادر و چاقچور، همیایی در جنبش آزادی می نمودند." (همان کتاب صفحه ۲۱۵)

پس از به توپ بستن مجلس، در تبریز آزادیخواهان تحت رهبری ستارخان به مقاومتی حماسی دست زدند. شهر به دژ آزادیخواهان بدل شد. انقلابیون در صدد بودند که بار دیگر آنچه را ارتجاع از آنان گرفته، باز پس گیرند. زنان در همین زمان نیز

نشان دادند که تا پای جان در استقلال، آزادی و سعادت و بهروز مردم ایستاده اند. آنها پایبندی مردم در دستجات متشکل و مسلح در راه دستاوردهای انقلاب جانباز می کردند. روزنامه "حبل المتیر می نویسد: "در یکی از زد و خوردها بین اردوی انقلابی معروف ستارخان با لشکریان شاه، بین کشتگان انقلابیون بیست زن مشروطه طلب لباس مردانه پیدا شده است." (مبارزه جنبش مشروطه، رئیس نیا ناهید) "ایوانف" در کتاب انقلاب مشروطیت ایران در مورد اینکه زنا در نهضت مشروطیت نه فقط به عنوان نیروی پشت جبهه، بلکه به عنوان گروههای مسلح نیز شرکت کرده اند، می نویسد: "عکس یک دسته ای شصت نفری از زنان چادر به سر ایرانی تفتت به دست اکنون در اختیار ماست. اینان محافظی از سنگرها، تبریز بودند."

(انقلاب مشروطیت ایران، ایوانف) مبارزه و مقاومت زنان در برابر اوباشیگری های عوامل محمد علی شاه خوانین محلی تنها به شهرهای بزرگ مرکزی محدود نمی شد. در هر کجا که مقاومتی وجود داشت زنان نیز حضور داشتند از جمله نمونه هایی که در تاریخ مشروطیت به آن اشاره شده جریان حمله ضرام به همراه رحیم خا به دهات اطراف قره داغ است. کسروی در مورد حمله اوباشان به یکی از کلیساها می نویسد: "سواران دیه ر یغما کردند و به کلیسا چهار توپ زدند. ولی به آنجا دست نیافتند. در این پیش آمد هیجده تن از ارمینار (سه زن و پانزده مرد) کشته شده، ده تن زخمی گردیدند. از سواران نیز دسته ای به خاک افتادند."

به دنبال به توپ بستن مجلس و مقابله شدید مردم با ارتجاع داخلی و خارجی، حکومت روسیه تزاری ضمن لشکر کشی به آذربایجان و تلاش در جهت سرکوب جنبش، به همراه دولت انگلیس ضمن در خواست امتیازات جدید، خواهان پرداخت هزینه سرکوب جنبش در آذربایجان نیز شد، دو دولت برای تأمین خواسته هایشان مهلت محدودی را مقرر کرده و تهدید نمودند که بعد از اتمام این مهلت در صورت عدم پذیرش خواسته های آنها خاک ایران را بطور کامل اشغال خواهند کرد.

توده های مردم در مقابل چنین تجاوز بیشرمانه ای به استقلال ملی و حقوق خویش دست به مخالفت شدیدی زدند. زن و مرد، کوچک و بزرگ دست به تظاهرات زده و در میدان بهارستان

نیروهای حکومتی محله "جاده نظامی"...

بقیه از صفحه اول

زمین‌های این منطقه را اهالی این محل چند سال قبل از مالکین آن خریداری نموده و بابت آنها پول هنگفتی پرداخت کردند. مالکین در ازای هر متر مربع این اراضی بیابانی ۷۵۰۰ - ۱۲۰۰۰ ریال دریافت داشتند. این معامله با واسطه عده‌ای دلال صورت گرفت که برخی از آنان عضو انجمن اسلامی فیروزآباد هستند. در ازای آن به مردم بجای سند مالکیت تنها دستنوشته‌ای مبنی بر انجام معامله داده شد.

چندان از تاسیس محله جاده نظامی سیری نشده بود که مأمورین دولتی به سراغ ساکنین آن آمدند. آنها مدعی بودند که این ساختمانها بدون سنجش و بررسی ساخته شده و علاوه بر این زمینها را به طور عدوانی تصرف کرده‌اند. دولت هم چنین مدعی شده بود که این اراضی بایر، جزو اوقاف شاه عبدالعظیم است. مردم با واکنش خود نشان دادند که بهیچ روزی بار این اجحافات نخواهند رفت. آنها این اراضی را از مالکین آن به بهایی کزاف خریده بودند. اگر کسانی می‌بایست تحت پیگرد قرار گیرند

تهران، میدان مجلس، مسجد سه‌سالار و خیابانهای اطراف اجتماع عظیم هزاران نفره‌ای پیدا کردند. زنان در این نمایش عظیم و تاریخی خاطره‌ای ارزنده از خود بجای گذاشتند. "در این ایام تیره و وحشتناک سید نفراز زنان ایران با چادرهای سیاه و نقاب‌های مشیک سفید در حالی که هر یک تپانچه‌ای با خود داشتند به ساختمان مجلس در آمده با رئیس مجلس ملاقات نمودند. این مادران و زنان و دختران محبوب ایرانی ناگهان نقاب‌های خود را پاره کرده، تپانچه‌های خود را نمایش داده و قصد حتمی و اراده قطعی خود را ... اظهار نمودند..." (دومبارز جنبش مشروطه، رئیس‌نیا و نامید)

جنبشی که در راه آن، این همه رشادت و جانبازی صورت گرفته بود، بالاخره توسط رضاخان میرپنج سرکوب شد. آزادی و استقلال بدست نیامد و استبداد این بار به شکل مخوفتری توسط بنیانگذار سلسله ننگین پهلوی استقرار یافت. حق شرکت در حیات سیاسی کشور از همه مردم سلب گردید، زنان که تازه پا به میدان مبارزه فعال سیاسی نهاده بودند بار دیگر به عقب رانده شدند.

فروشنده‌گان این اراضی بایر بودند نه خریداران آنها. ادعای تصرف عدوانی نیز بکلی بی‌پایه بود. مردم دستنوشته‌های این معامله را نشان می‌دادند. بهانه گیری شهرداری مبنی بر ساختمان بدون جواز هم نمی‌توانست شامل ساکنین جاده نظامی بشود. آنها در منتهی‌الیه جنوب شهر ری در میان بیابان و اراضی بایر سرپناه خود را بنا کرده بودند و در آن منطقه شهرداری هیچگونه امکاناتی فراهم نکرده بود.

اما برای سرکوبگران رژیم، حقانیت مردم مطرح نبود. آنها برای پیشبرد هدف شوم خود به سرکوب خشن زحمتکشان توسل جستند و سرشت مردم ستیز جمهوری اسلامی را باز هم بگونه‌ای نفرت انگیز و ویرانگر به نمایش گذاشتند.

شبانگاه دوشنبه ۱۸ تیر ماه، اکیب دهها نفری اوباشان کمیته به همراه گروه تخریب منطقه ۲۰ و ۶ شهرداری و نفرات ژاندارمری با برنامه‌ای از قبل تعیین شده و با تجهیزات کامل به منطقه جاده نظامی یورش آوردند. هدف تخریب کامل تمامی سرپناهها و چهار دیواری‌های

محقری بود که زحمتکشان این منطقه با زحمت طاقت فرسا و به بهای رنج فراوان برپا نموده بودند.

مردم رنج‌دیده منطقه، خشمگین و مصمم به مقابله با ویرانگران پرداخته با پرتاب سنگ و آجر پاره به رویا روشی با مهاجمین برخاستند. اما کمیته‌چی‌ها بر تعداد نفرات خود افزودند، آنها به تاراج هستی زحمتکشان کمر بسته بودند. پس به منظور تسلیم نمودن ساکنین بر شدت تیراندازی افزودند. از ساعت ۱۲ شب الی ۲/۵ صبح در منطقه جاده نظامی غرش و گریار و سایل‌های مه‌آلود می‌پایید. اما رویارویی مردم نیز کاستی نمی‌گرفت.

پس از تخریب چندین خانه و مجروح شدن تعدادی از اهالی، بر شدت مقابله مردم افزوده شد. مردم یکی از لودرهای شهرداری را به آتش کشیدند و با پرتاب سنگ چندین نفراز اوباشان کمیته و شهرداری را مجروح کردند. آنها ضمن دفاع از خود فریاد می‌زدند: مرگ بر خمینی، مرگ بر پاسدار!... کمیته‌چی‌ها تا ساعت چهار صبح، دهها نفر از مردم محل را دستگیر و به بازداشتگاه منتقل نمودند.

جانباان کمیته از ساعت ۲/۵ صبح، به درون خانه‌های محقر مردم ریختند و وحشیانه چنگ بر موی زنان

نمایشی به نام انتخابات

بقیه از صفحه اول

برگزیده حکومت را رسماً اعلام خواهد کرد. خمینی در آخرین سخنرانی‌اش در روز سه شنبه هفته گذشته حاضر به سمت گیری به سود دوسه کاندیدای باقی‌مانده نشد، در عوض با تهدید از مردم خواست که پای صندوق‌ها حاضر شده و به سود این یا آن گمارده فقیه رای دهند.

تهدیدات تازه خمینی نشان داد که حکومتی‌ها از هم اکنون به شدت نگران امتناع مردم از شرکت در انتخابات هستند. مردم با تجربه خود دروغین بودن اینگونه نمایشات را دریافته‌اند. چه خمینی و چه نورچشمی‌های او خامنه‌ای و عسکر اولادی را به خوبی شناخته‌اند و می‌دانند که اینان در مردم ستیزی بایکدیگر رقابت می‌کنند.

تحریم انتخابات توسط همه اعزاب و سازمانهای ملی و مردمی بر ماس حکومت دامن زده است. کسادی حوزه‌های رای گیری برای رژیمی که هنوز هم وقیحانه مدعی داشتن پشتوانه

گسترده توده‌ای است، غیر قابل تحمل است. از اینرو از هم اینک اجرای نقشه‌هایی را آغاز کرده‌اند که برای کشاندن مردم به پای صندوق‌های رای گیری تدارک دیده‌اند. رژیمی که در گرداب مشکلات روز افزون و علاج ناپذیر به خود می‌پیچد، برای این کار چندان توان کار برد تاکتیک‌های عوام‌فریبانه را ندارد. گسترش جنبش و ژرفش آگاهی مردم این کار را دشوار ساخته است. از اینرو صاف و پوست‌کنده به تهدید و ارعاب متوسل می‌شوند. ارگان‌های سرکوب برای وادار ساختن مردم شهرها و روستاهای کشور به حضور در پای صندوق‌ها برنامه‌ریزی کرده‌اند. برای تسهیل این امر امام مرتجعین هم تهدیدکنان فتوی داد که "هرکس (در انتخابات) شرکت نکند، مخالف جمهوری اسلامی است". جرم مخالفت با جمهوری اسلامی هم از پیش روشن است. لذا پیداست که شکل پیش‌برد دور نهائی این نمایش چگونه خواهد بود.

پیروزی مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

انداخته و در حالیکه رکیک‌ترین فحش‌ها را اثار این انسانهای شریف و محروم می‌کردند، آنها و کودکانشان را بیرون کشیدند. مزدوران با استفاده از این شیوه رذیله‌انه، در مقابل چشمان گریان زنان و چهره‌های برافروخته مردان، حدود ۲۰۰ خانه را با تمام وسایل باخاک یکسان کردند. ساعت ۸ صبح سه شنبه دهها ماشین حمل خاک و لودر جهت خاکبرداری و جمع نمودن وسایل و آجرها، در پناه اوباشان کمیته به منطقه وارد شدند. آجرها و آهن پاره‌ها به همراه لوازم زندگی به محلی دورتری یعنی پل کوره‌ها که عده‌ای از افغانی‌ها در آنجا سکونت دارند، حمل شد.

تبهکاران حتی به یک زن بیوه و سه کودک یتیمی که در یک اتاق محقر در نهایت فقر و تنگدستی زندگی می‌کردند رحم ننموده، کاشانه آنان را در مقابل چشمان گریانیشان ویران کردند. بی‌آنکه خم به ابرو بیاروند. صبح سه شنبه ۱۹ تیر، جاده نظامی همچنان قرقگاه اوباشان گشت‌های کمیته اسلامی بود. بازداشت‌ها همچنان ادامه داشت. در محله، دیگر هیچ مردی باقی نمانده بود. بسیاری که دستگیر شده بودند در سیاهچالها زندانی شده بودند. دیگران نیز به ناچار محله را ترک کرده و متواری شده بودند. گفته می‌شود تعداد دستگیر شدگان از دویست نفر متجاوز است. شبانگاه چهارشنبه بیست تیر ماه، خفاشان، جشن‌چون آمیزشان را از سر گرفتند. آنها جهت تخریب خانه‌های باقیمانده مجدداً به منطقه جاده نظامی روانه شدند. این بار کمیته‌چی‌ها بر نفرات و تجهیزات خود بسیار افزوده بودند. در پناه نور ماشین‌های کمیته، لودرها کار تخریب را از سر گرفتند. تیراندازی رعب انگیز، دستگیری‌های وسیع و دو روز گذشته، ضرب و شتم وحشیانه اهالی بی‌دفاع، متواری بودن بسیاری از مردان محل، باعث گردید که مهاجمین در این شب بتوانند خانه‌های بیشتری را ویران نمایند. تخریب محله جاده نظامی تا صبح ادامه یافت.

در بامداد و قتیکه آفتاب طلوع کرد آنچه که بر جای مانده بود. محله‌ای منهدم شده بود که زنان دردمند و بلاکشیده بر فراز ویرانه‌هایش نشسته و مویه می‌کردند، کودکانی بودند که گرسنه، خسته و مضطرب دامن مادر را رها نمی‌کردند، گریه‌گانی بودند که با مسلسل‌هایشان تکه‌بانی می‌دادند تا مبادا خشتی بر خشتی نهاده شود. آنها ویرانی را پاسداری می‌کردند.

حکایت درهم و دینار در محاکم شرعیه

بیماری ریگان و ماهیت دموکراسی آمریکایی

آمریکایی دارند حق رای فقط یک نفر اورا انتخاب کرده، خود مورد سوال است، تاجه رسد به مسر او ورنالد ریگان دلال بورس. در انتخابات ریاست جمهوری، نه یک زوج که یک فرد انتخاب شد. رئیس دفتوریگان را هم نه مردم، که انحصارات برکزیده اند. بدین ترتیب، اختیار استفاده از سلاح اتمی، اختیار کشاندن جهان به بحران، در دست کسانی قرار گرفته که هیچگونه مسئولیتی در قبال هیچ مرجع دیکراتیک ندارند.

برخی مطبوعات غرب، وضع حاکم بر دستگاه رهبری آمریکا را با نحوه کار رهبری شوروی در هنگام بیماری مسئولین دستگاه رهبری مقایسه می کنند. در این مورد باید گفت، خود این مقایسه نشان می دهد تفاوت میان دو نظام اجتماعی که در یکی، "انتخابات" و "دمکراسی" تنهاپوش ساتری بر ماهیت حکومت انحصارات است، و در دیگری، رهبری جمعی برخاسته از میان حزب و مردم مسئولیت خطیر اداره جامعه را بر عهده دارد، از کجایا به کجاست.

آنگونه که رسانه های گروهی بورژوایی غرب با جار و جنجال بسیار اعلام کردند، رنالد ریگان رئیس جمهوری آمریکا به علت ابتلا به سرطان اخیرا مورد عمل جراحی قرار گرفت. خود بیماری ریگان که چند روز بود اورا وادار به کناره گیری موقت از امور جاری ریاست جمهوری واداشت. امر مهمی نیست، اما آنچه جالب است، نحوه اداره بزرگترین کشور دنیای امپریالیستی در شرایط بیمار شدن رهبر آن است. مطبوعات بورژوایی هر یک به فراخور طیف خوانندگانشان، یکی از نزدیکان ریگان را جانشین وی در دوران بیماری معرفی کرده است. مثلاً رنگین نامه های مبتدل که معمولا بزرگترین تیتراش به طلاق و عروسی این ویا آن شاهزاده و پرنس و... اختصاص دارد، می نویسند: "نانسی (منظور همسر ریگان است) بر آمریکا حکومت می کند". برخی روزنامه های دیترویت رنالد ریگان رئیس دفتر رئیس جمهوری را حکمران می دانند. اما همه متفق القولند که جرج بوش که باریگان به ست معاونت او انتخاب شده، جانشین واقعی او نیست! مشروعیت ریاست جمهوری ریگان که از هر سه

کیرتسان
شبه ۵ مرداد ۱۳۶۴

چندین ساله، از گاه مملکتی احباب سر مورد ضرب و جرح شده فرار داد و استخوان دیده مرا شکست و چهل روز یک کارگر معطل و بان در بار را بسوی کرد و دادگاه اسلامی شرح دادنامه پیوست مالک را به پرداخت ده دینار طلا یا یک صدم از ده هزار درهم بهره پسی صدم درهم بهره محکوم نمود و احباب با خوشحالی برای دریافت طلا با بهره باجاری احکام دادسرای رشت رجوع کردند تا فرضی را که در اتهام معامله مستعمل شده بودیم بپردازیم متصدی اجرای احکام سه هزار تومان ناقابل پیشین من گذاشتند و نقاضای رسید کردند تا پرونده باگانی بشود احباب عرض کردم که چهل روز از کار افتادام بیست هزار تومان خرج دکتر و بیمارستان دادم چرا در عوض طلا یا بهره میخواهید پول بمن بدهید خلاصه از آنها اسیر و از من انکار کار ما بالا کشید و مرا برای نفهمی لایحه نزد حاکم بردند در ابتدا فهمیدم که حق با متصدی اجرای احکام است در قانون گذشته محاربات ابرار حرب مستحق به شکستگی طبق ماده ۱۷۲ دوسال حبس یا اضافه حبران خسارات مادی و معنوی محکوم بود و حالا محاربات این عمل طبق ماده ۱۴۵ دیات ده دینار طلاست بهر حال من با توضیحات حاکم محترم قانع شدم الهامه چون رندی پسی خبر داد که بهای ده دینار طلا خیلی خیلی بیشتر از بهای صدمه بهره نقره است لذا از اجرای احکام خواستم تا در عوض بهای صدمه بهره نقره طبق حکم دادگاه عمل کرده و بهای ده دینار طلا را بمن بدهند متصدی اجرای احکام گفت دادگاه طلا را تبدیل به بهره کرده است و شما مستحق بهای بهره هستید خلاصه سه هزار تومان پسی دادند و پرونده را باگانی کردند.....

اما از روشی محاکم نقاضا داریم که از این پسی میران طلای خسارت دیده را تبدیل به بهره نکند و اگر هم ناچار هستند لااقل بهای روز طلا و بهره را در نظر بگیرند.

حسین عوی

ابعاد بی سوادی در آمریکا

معمولی عاجزند، تاجه رسد به متن های حاوی کلمات مشکل و خارجی. بدین ترتیب، ۶۵ میلیون آمریکایی فاقد توانایی خواندن روزنامه، دستورالعمل روی شیشه های دارو و تابلوهای خطر، امضای چک، پرکردن فرم، نوشتن نامه و رای، دادن مسئولیت در این میان، میلیونها نفر حتی نمی توانند تابلوهای راهنمایی رانندگی و قیمتها را در فروشگاهها بخوانند.

اخیرا وزارت آموزش ایالات متحده گزارشی از ابعاد گسترده بیسوادی در این کشور انتشار داد که نگاهی به برخی ارقام آن، افشاگر ماهیت نظام اجتماعی حاکم بر آمریکاست. طبق این گزارش، ۲۵ میلیون آمریکایی حداکثر قادرند حروف را تشخیص داده و به زحمت از روی آن بنویسند. ۲۵ تا ۴۰ میلیون نفر تنها می توانند لغات جداگانه و کوتاه را بخوانند و از خواندن متون

خبرپردازی به سبک جمهوری اسلامی

پرداخت این وام هشت سال ذکر شده و در انتهای خبر قید گردیده است که این اولین باری است که شوروی از ژاپن وام نقدی در خواست کرده است.

در نگاه اول خواننده تصور می کند که موضوع خیلی جدی است: ۱۲ بانک ژاپنی، وام گزافی در اختیار اتحاد شوروی گذاشته اند که باز پرداخت این وام سنگین، آنقدر برای شوروی دشوار است که ۸ سال زمان می برد. اما "جدی" بودن خبر فقط در نگاه اول است. در همان صفحه روزنامه اطلاعات، نرخ رسمی ارزهای کشورهای مختلف نسبت به ریال چاپ شده است. در جدول مربوطه می خوانیم که صد پین ژاپن می شود ۲۲ ریال. در اینجا با یک ضرب و تقسیم ساده معمای وام ۲۲/۵ میلیون پین حل می شود: کل وام ادعائی ۱۲ بانک ژاپنی به اتحاد شوروی که باز پرداخت آن ۸ سال طول می کشد برابر است با ۸۲۰ هزار تومان!

رسانه های گروهی جمهوری اسلامی برای پیشبرد تبلیغات ارتجاعی ضد کمونیستی خود تنها ریزه خوار مطبوعات امپریالیستی نیستند. در این عرصه نیز شعار خود کفایی می دهند و برای این کار از تجارب ویژه تجار بزرگ بازار تیران بهره مند هستند.

به عنوان نمونه به صفحه ۴ روزنامه اطلاعات ۶۴/۴/۲۲ در قسمت اخبار داخلی نگاهی بیندازید. در آنجا نوشته شده است "یک اتحادیه بانکی در ژاپن، متشکل از ۱۲ بانک، در آینده نزدیک وامی به مبلغ ۲۲/۵ میلیون پین در اختیار شوروی قرار خواهند داد." مدف از درج این خبر محتاج جلوه دادن کشورهای سوسیالیستی به دنیای سرمایه داری در حد گرفتن وام نقدی و ستایش از امپریالیستهای ژاپنی است که سرکردگان جمهوری اسلامی جز خوبی چیز دیگری از آنها ندیده اند. در خیر روزنامه اطلاعات مدت

از ادبیات گمنام فارسی

غزلی از حافظ

دانی که چنت و عود، چه تقریر می کنند؟

"پنهان خورید باده، که تعزیر می کنند! ناموس عشق و رونق عشاق می برند

منج جوان و سرزنش پیر می کنند تشویش وقت پیر مغان می دهند باز -

این سالکان نگر که چه با پیر می کنند! گویند: رمز عشق مکتوبید و مشنوبید!

مشکل حکایتی است که تقریر می کنند! جز قلب تیره هیچ نشد حاصل و، هنوز

باطل، در این خیال که اکسیر می کنند!"

ضد آب، رو، به نیم نظر می توان خرید؛ خوبان در این معامله تقصیر می کنند

ما از برون پرده، گرفتار صد فریب - تا خود درون پرده چه تدبیر می کنند!

قومی به جد و جهد نهادند وصل دوست قوم دگر حواله به تقدیر می کنند،

فی الجمله اعتبار مکن بر ثبات دهر کاین کارخانه ثبات که تغییر می کنند.

می خور! که شیخ و حافظ و مفتی و محتسب گر نیک بختی، همه تزویر می کنند!

داستانی بر اساس صدها واقعت

چهل و چهاریها



توی کارخانه ، کارگرهای ریخته گری به "چهل و چهاریها" ، معروف شده بودند و از حرمت خاصی بر خوردار بودند و اینکه چرا چنین نامیده می شدند ، برای خود داستانی دارد :

کارگاه ریخته گری در و پیکر نداشت . روزی باد زده بود و عکس بزرگ خمینی از روی دیوار کنده شده بود. عکس ، ساعتها روی زمین ولو بود . کارگرها دیده بودند و به قول "برادر شهریاری" رئیس انجمن اسلامی "انگار نه انکار که نفوذ بالله عکسی که روی زمینه مال امام" و کفر مدیر کارخانه و انجمن اسلامی زمانی بالا آمده بود که دیده بودند ، جای کفش کلی یکی از کارگرها روی چانه خمینی نقش بسته است . درست ، مثل اینکه عکس برگردان ته کفش را زده باشند روی عکس . انجمن اسلامی زمانی که شست اش خبردار شده بود که توی ریخته گری عکس "امام" زیر پای کارگرهاست ، شتابزده ریخته بود توی کارگاه . اعضای انجمن اسلامی حلقه زده بودند دور عکس و " برادر شهریاری" که زبل و زرتنگ است و سابقا هم توی حزب رستاخیز کلی کتیکه و دبدبه داشته و حالا رئیس انجمن اسلامی و پیشنماز کارخانه است ، خواسته بود که کارگاه بازی در بیاورد و دستور داده بود ، عکس را طوری بردارند که نقش کلی کفش روی آن از بین نرود . یعنی اثر جرم . و به همین منظور ، دو نفر از اعضای انجمن ، عکس را مثل تابوت از روی زمین بلند کرده بودند روی هوا . و در همین حین یکی از کارگرها با صدای بلند در آمده بود که : "الله اکبر" و کارگرهای دیگر که شاهد این صحنه بودند ، زیر جلگی زده بودند زیر خنده و " برادر شهریاری" که هوا را پس دیده بود و متوجه شده بود که کارگرها بد جوری پایپچ " امام امت" او شده اند ، برگشته بود که برای آنها خط و نشان بکشد و بتوید که " براتون یه آشی تو اوین بپزم که یه من روغن روش وایسته " که همان کارگر با کفشی یک "خمینی رهبر" الکی ، قال قضیه را کنده بود و این بیشتر باعث خنده کارگرها شده بود .

فردای آنروز ، اعضای انجمن اسلامی و مدیر کارخانه ، دور میزی که

کردند تا چند جفت کفش کوچک و بزرگ با خود بردارد و بیاورد به اتاق انجمن . و انباردار هم آنها را ریخته توی یک فورغان و آورده بود . " برادر شهریاری" به شخصه وظیفه تشخیص هویت کفش را پذیرفته بود . لنگه های چپ و راست کفش ها را یک به یک گذاشته بود روی عکس و بالاخره کاشف بعمل آمده بود که نمره کفش چهل و چهار می باشد و نیز معلوم شده بود که مجرم با پای چپ کوبیده به پوزه امام ، و یکی دیگر از اعضای انجمن ، معروف به "یدی دو کوهان" گفته بود : "کار کار چپی هست . آقا جان اینها هر کاری بکنن ، عادتشان است همینجوری چپکی چپکی انجام می دن ." و بعد "برادر شهریاری" از انباردار پرسیده بود : " کی ها کفش نمره چهل و چهار می گیرن ." و انباردار جواب داده بود : " والله خدا عالمه . ما که کامپیوتر مامپیوتر نیستیم تا نمره پاها را تو مغزمان ضبط کنیم . ما فقط چند سال به بار می برسیم ، کفش نمره چند می خوای و اونها هم می کنن ، فلان یا بهمان نمره را و ما هم می دیم و می برن و یک امضا و یا اثر انگشت از شان می گیریم ." انباردار را مرخص کرده بودند و باز دنباله جلسه برقرار شده بود . پیشنهادها ، بسیار بود . آخر سر مدیر کارخانه پیشنهاد داده بود : "برادرها مسئله خیلی سهل است . بنده همین الان رنگ می زنم به سپاه و یا اینکه به کمیته . بعله ! آنوقت برادر ها می آیند و توی کارگاه کف پای همه کارگرها را با بازرسی و خودشان را بازجویی می کنند و هر کسی که نمره پایش چهل و چهار باشد ، به اوین ارشاد می شود . و بدیهی است که در آنجا برادرهای مسئول خوب می دانند که چگونه باید اقرار گرفت . بعله ! " به این فکر بکر مدیر ، باز اعضای انجمن "احسنت برادر" گفته بودند . اما " برادر شهریاری" که مجرب بود و نسبت به بقیه سرش توی خیلی از امورات بود و مرتب بخشنامه های نخست وزیر و وزارت اطلاعات و امنیت و سایر ارگانهای امنیتی را می خواند ، با این پیشنهاد مخالفت کرده و گفته بود : برادرها ، ما همچنین هم نباید زیاد الم شنگه راه ببانند ازیم و خدای نکرده ، طوری بشه که توی کارخونه مفسده ای بپا گردد . به نظر بنده بهتره که برای کارگرهای ریخته گری کفش نو بخریم و هنگام تحویل آن ، نمره کفش های همه رو یادداشت نمائیم و از روی یادداشت ، اونهایی را که کفش نمره چهل و چهار گرفتن ، تحویل اوین بدیم ." بالاخره پیشنهاد "برادر شهریاری" با یک

تیسره مدیر کارخانه تصویب شده بود . مدیر گفته بود : برادر! این چنین هم نیست که حتما و حتما کفش نو بدهیم . بعله ! کافی است که فردایی از شاهها به اتفاق انباردار بروید توی کارگاه و به کارگرها بگوئید که بعنه ما می خواهیم کفش نو بخریم و لازم است نمره کفش هایتان را بدانیم ، به این ترتیب به اقتصادیات مملکت هم صدمات وارد نخواهد شد . شاهما حتما متوجه هستید که ما می خواهیم خود کفا شویم . " و باز اعضای انجمن از دانش و بینش "قنبری مکتبی" هاج و واج مانده بودند .

وقتیکه جلسه مدیر و اعضای انجمن تمام شده بود ، ته کفش تمام کارگرهای ریخته گری مثل کف دست ، صاف صاف بود . انباردار جریان جلسه را موبموبه یکی از کارگرها گفته بود و بعد دهان به دهان بیپچیده بود توی کارگاه که کفش نمره چهل و چهار زده توی چانه خمینی . و یکساعت طول نکشیده بود که کارگرها با هر چه که دم دستشان می رسید ، ته کفش هایشان را صاف کرده بودند ، بطوریکه نه از نمره و نه از خطولا ته کفش اثری باقی نمانده بود .

فردا ، "یدی دو کوهان" از اولین ساعت شروع کار ایستاده بود جلو اتاق انبارداری که توی کارگاه بود . و ریش توبی اش را با حالت عصبی می خاراند و از کشفهای کارگرهایی که از جلوش رد می شدند ، چشم بر نمی گرفت . کارگرها حدس زده بودند که خبرهایی است و توی فاصله صرف صبحانه که یک ربع ساعت است ، انباردار به کارگرها رسانده بود که می خواهند نمره کفش ها را بپرسند و زود پخش شده بود توی همه کارگرها . و بعد کارگرها از یکدیگر پرسیده بودند : "نمره کفشت چنده ؟" و همه یک جواب از دهنشان در آمده بود : "خوب معلومه ، چهل و چهار" و با بیچیه هاشان قرار گذاشته بودند که همه کفش نمره چهل و چهار بخواهند .

توی کارگاه ریخته گری ، انباردار به اتفاق "یدی دو کوهان" نمره کفش کارگرها را می پرسید و همه یک پاسخ می دادند : "چهل و چهار" . و چهل و چهار همان نمره کفشی بود که کوبیده بود توی چانه خمینی و جایش مانده بود روی عکس .

به این ترتیب ، از آنروز به بعد ، کارگرهای ریخته گری توی کارخانه به "چهل و چهاریها" معروف شدند .

مصاحبه "عصر جدید" با "ورنر چیسلاک" عضو کمیته مرکزی و سرپرست هیات نمایندگی حزب کمونیست آلمان DKP در کنفرانس احزاب کمونیست اروپای غربی

تنها آلترناتیو واقعی، سوسیالیسم است

بحران سرمایه داری و مبارزه کمونیستها، موضوع کنفرانس اخیر احزاب کمونیست اروپای غربی در پاریس بود. در مورد این کنفرانس و مباحث مطروحه در آن، رفیق "ورنر چیسلاک" عضو هیات رئیسه و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست آلمان که هیات نمایندگی این حزب را در کنفرانس پاریس سرپرستی می کرده است، با خبرنگار هفته نامه "عصر جدید" مصاحبه ای به عمل آورده که ترجمه بخشهای عمده ای از آن در زیر از نظر تان می گذرد.

* چه احزابی در کنفرانس شرکت داشتند؟ ممکن است نتایج حاصل از آن را تشریح کنید؟

** احزاب کمونیست ۱۸ کشور سرمایه داری اروپا در کنفرانس حضور داشتند. مدت ها بود که چنین کنفرانسی با این همه نماینده نداشتیم. تنها متاسفانه رفقای نیروی و لوکزامبورگی ما آنهم به دلیل اشتغالاتی که در رابطه با امور داخلی شان داشتند، نتوانستند در کنفرانس شرکت جویند.

برگزاری این کنفرانس، نشان دهنده وجود سائق نیرومندی برای همکاری و تبادل نظر و تجربه است. مباحثات با کزاری که احزاب شرکت کننده از وضعیت کشورهایشان دادند، آغاز شد و با بحثهایی زنده و رفیقانه حول آنها ادامه یافت. همه سخنرانان در این مورد وحدت نظر داشتند که علل بحرانی که کشورهای اروپای غربی را در بر گرفته، ذاتی نظام سرمایه داری است. بیکاری فزاینده و فقر و فاقه بخشهای گسترده ای از جامعه با انکشاف سرمایه داری ملازمه دارد.

در مورد راهها و شیوه های فائق شدن بر این بحران، نظریات متفاوتی ارائه شد. این امر قابل درک بود، چرا که هر کشور دارای جنبه های خود ویژه ایست. اما در این مورد اتفاق نظر وجود داشت که امروزه مبارزه علیه بیکاری و برای رفع جدی نیازهای اجتماعی بیش از هر هنگام دیگری با مبارزه برای صلح و علیه تولید تسلیحات و به خاطر کاستن از بودجه نظامی در پیوند است. همه احزاب شرکت کننده در کنفرانس موضع قاطعی علیه نظامی کردن فضای کیهان، نقشه های ریکان در زمینه "جنگ ستارگان" و مشارکت کشورهای اروپای غربی در این برنامه ها، داشتند.

* سیاستمداران و اقتصاددانان بورژوازی می گویند که کشورهای سرمایه داری دوره وخامت را از سر گذرانده اند. آنها معتقدند که کساد سالهای اول دهه هشتاد به سر آمده و یک دوره رونق اقتصادی آغاز شده که به ادعای آنها منجر به حل مشکلات بنیادی این کشورها خواهد شد. در این مورد نظر تان چیست؟

** این درست است که در سالهای اخیر بهبود معینی در فعالیت های تجاری پدید آمده است اما این تحرک خصلتا بسیار ناموزون است. میزان رشد اقتصادی در کل در اروپای غربی به نحو قابل ملاحظه ای از ایالات متحده و با ژاپن کمتر بوده است. یکی از دلایل این امر بالا بردن صنعتی نرخیهای بانکی در ایالات متحده و نتیجتاً بالا بردن سرخود نرخ مبادله دلار است.

کارلوس کاروالهاس، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتغال، در کنفرانس گفت کسری کلان بازرگانی خارجی پرتغال از ایالات متحده به این کشور "صادر" شده است. سرمایه گذاران محلی به دلیل نرخیهای بالا در ایالات متحده، این انگیزه را می یابند که به جای سرمایه گذاری در زمینه رشد اقتصادی کشور خودشان، پولهایشان را به آن سوی اطللس انتقال دهند. به عنوان نمونه، صدور سرمایه از آلمان غربی، در فصل پایانی سال ۱۹۸۴ به ۱۵/۲ میلیارد مارک بالغ شده است.

ریزش سرمایه، که ایالات متحده از آن برای تغذیه مالی تدارکات جنگی خود بهره می جوید، رونق اقتصاد اروپای غربی را می گیرد و نرخ رشد آن را پایین می آورد. رونق کنونی در عرصه تولید فاقد یک بنیاد مستحکم و فوق العاده ناپایدار است.

بعلاوه همه شاخه های تولید را در بر نمی گیرد.

* کنفرانس در مورد تاثیر بحران بر روی وضعیت زحمتکشان چه نظری داشت؟

** در کنفرانس خاطر نشان شد که در همه جا وضعیت معیشتی زحمتکشان و بطور کلی همه توده مردم تحلیل رفته است. در بسیاری از کشورها اصطلاح "تنگدستان جدید" رایج گشته است. بر طبق آمار بازار مشترک اروپا، در سال ۱۹۸۴ استاندارد زندگی بیش از سی میلیون نفر از مردم کشورهای عضو این بازار، زیر خط رسمی فقر بوده است. این نتیجه "درآمدها"، "ریاضت کشی"، "تحکیم دارایی دولتی" و سیاستهایی از این قبیل است که نتیجه همگی آنها یک چیز است: کاستن از بودجه مربوط به حوایج اجتماعی. از این گونه سیاستها در درجه اول بازنشستگان، دانشجویان، خانواده های درمانده و پر جمعیت لطمه می بینند. در تعدادی از کشورها افزایش دستمزدها از رشد تورم عقب افتاده است. در آلمان غربی، دستمزدهای واقعی در حال سقوطند.

سابقاً، رونق به معنی اشتغال بیشتر بود. اکنون بیکاری در سطح فوق العاده یالایی بر جامانده و حتی در بعضی از کشورها، در حال رشد است. در اسپانیا ۲۰ درصد، در پرتغال ۱۲ درصد، در دانمارک تقریباً ۱۱ درصد و در آلمان غربی ۸/۸ درصد نیروی کار، بیکار است. تازه اینها ارقام رسمی هستند.

یکی از عوامل بیکاری، راسیونالیزاسیون (معقول کردن) تولید از سوی کارفرمایان برای کاستن از مخارج مربوط به دستمزدها و از این طریق افزایش سود است. در سال ۱۹۸۴ تنها در آلمان غربی ۱۰۰۰۰۰ جای کار به این دلیل از دست رفته است.

البته کمونیستها مخالف پیشرفتهای فنی و تکنولوژی جدید نیستند. اما ما می گوئیم که پیشرفت فنی باید با پیشرفت اجتماعی ملازمه داشته باشد. انقلاب علمی و فنی به مساله مشارکت کارگران در مدیریت تولید، و کنترل تولید از سوی طبقه کارگر و سازمانهای آن، فوریت و ضرورت ویژه ای داده است.

* در هنگام بیکاری توده گیر، زحمتکشان بسی مشکلتر می توانند حقوق خود را بدست آورند. آیا طبقه کارگر می تواند در برابر بورژوازی

سرمایه داری، پیروزمندانه ایستادگی کند؟

** این مساله جای ویژه ای در مباحثات ما داشت. تجربه کشورهای مختلف نشان می دهد که حتی در دوره بحران این امکان وجود دارد که برای منافع طبقه کارگر مبارزه کرد و به پیروزیهای معینی دست یافت. البته این مبارزه به ناچار در شرایط مشکلتری صورت می گیرد. بورژوازی از بیکاری توده گیر استفاده می کند تا طبقه کارگر را "بی ثبات" سازد، بخشهای مختلف آن را علیه یکدیگر برانگیزاند و اتحادیه ها را ضعیف کند.

علی رغم این تشبیهات، مقاومت در برابر سیاستهای ضد کارگری روبه رشد است. من برای کنفرانس موضوع اعتصاب ۱۲ هفته ای کارگران فلز و چاب در آلمان غربی را در بهار سال گذشته، شرح دادم. این اعتصاب برای تحقق خواسته ۲۵ ساعت کار در هفته، بدون کاهش دستمزد صورت گرفته بود. درست است که این خواسته به تمامی برآورده نشد و زمان هفتگی کارتنها تا ۲۸/۵ ساعت تقلیل یافت، اما همین کاهش خود ۱۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰۰ جای کار تازه ایجاد کرد. بعلاوه مبارزه هنوز خاتمه نیافته است.

طبقه کارگر دیگر کشورهای اروپای غربی نیز به همینسان برای کاهش ساعات کار، ۲۵ ساعت کار در هفته، تقلیل سن بازنشستگی و تعطیلات بیشتر مبارزه می کنند. در مورد دانمارک نیز، ایب نورلوند، عضو کمیته اجرایی و دبیر حزب کمونیست دانمارک به کنفرانس گزارش داد که اعتصابات و تظاهرات گسترده ای در این کشور برای دستیابی به این خواسته ها، صورت گرفته است.

کمونیستها برای مقابله با مشکل بیکاری یک برنامه ضد بحران پیش گرفته اند که در آنها شرایط و امکانات محلی، ملحوظ شده است. البته ما کمونیستها بر این باوریم که بیکاری به عنوان یک پدیده اجتماعی نمی تواند در سرمایه داری از بین برود. تنها آلترناتیو در برابر جامعه ای که میلیونها نفر را به فقر و فاقه می کشاند، سوسیالیسم است. امروزه این حقیقت در عمل به اثبات رسیده است. در کشورهای سوسیالیستی واقعی، بیکاری و دیگر آفتهای اجتماعی سرمایه داری، یکبار برای همیشه به خاک سپرده شده است. ما با ارائه این نمونه ها، باید اندیشه های سوسیالیستی را در میان زحمتکشان تبلیغ کنیم و آگاهی سیاسی آنها را ارتقا بخشیم.

در رهبری کنگره ملی آفریقا همه نژادها شرکت دارند

در طی یک کنفرانس محرمانه در زامبیا، کنگره ملی آفریقا تصمیم گرفت همه نژادها در رهبری آن شرکت داشته باشند. اولیورتامبو رئیس کنگره ملی آفریقا بعد از پایان کارکنفرانس نتایج تصمیمات آن را اعلام کرد. تامبو گفت در این کنفرانس برای اولین بار پنج نفر هندی، سفیدپوست و دورگه به عضویت کمیته ملی اجرایی کنگره ملی آفریقا پذیرفته شدند. تعداد اعضای این کمیته از بیست و دو عضو به سی عضو افزایش یافته است. اولین عضو سفیدپوست، جواسلوو، یکی از رهبران حزب کمونیست آفریقای جنوبی است.

دانشگاه کابل، در مسیر پیشرفت

در دانشگاه کابل اکنون شش هزار دانشجو به تحصیل اشتغال دارند. دانشگاه که در دوران پس از انقلاب، با کمبود کادر علمی روبرو بود، اکنون توانسته است با کمکهای اترناسیونالیستی، بحران را پشت سر بگذارد. اکنون این دانشگاه، دارای ۱۲ دانشکده و شامل رشته‌هایی چون ادبیات، دین‌شناسی، مکانیک، کشاورزی، داروسازی و جامعه‌شناسی است. در دوره شبانه این دانشگاه از چهار سال قبل رشته‌های زبانهای دری و پشتو، تاریخ و اقتصاد دایر گردیده که با استقبال زیادی مواجه گردیده است.

دانشجویان دانشگاه کابل از تمامی ملیتهای افغانستان هستند. از مجموع دانشجویان ۱۶ درصد از خانواده‌های روستایی و بیست درصد از خانواده‌های کارگری می‌باشند. نیمی از دانشجویان را دختران تشکیل می‌دهند. همه اینها قبل از انقلاب، بکلی غیر قابل تصور بود.

ادامه اعتصاب غذای وزیر خارجه نیکاراگوئه

هفته گذشته، کمیته مرکزی شورای کلیساهای جهان جهت حمایت از اقدام وزیر امور خارجه نیکاراگوئه، کشیش دسکوتو، که بخاطر جلب توجه جهانیان به خطر تجاوز آمریکابه نیکاراگوئه دست به اعتصاب غذا زده است، به دنبال جلسهای که در بوئنوس آیرس برگزار گردید، در روز اول اوت اعتصاب غذای ترتیب دادند.

عده‌ای از اسقفهای کلیسای کاتولیک برزیل و بیش از ۲۰۰ سازمان مذهبی این کشور نیز با وزیر خارجه نیکاراگوئه، اعلام همبستگی کرده‌اند.

علی‌رغم موج اعتراض شدیدی که علیه سیاستهای ایالات متحده در رابطه با نیکاراگوئه وجود دارد، آمریکا همچنان به شدت توطئه‌های خود علیه این کشور را دنبال می‌کند. در هفته گذشته باند‌های ضد انقلابی در نیکاراگوئه که از سوی ایالات متحده سازمان داده شده‌اند، در ایالت ماتاکاسیا جاده‌ای را مسدود کرده و هفت نفر را که قصد عبور از آنرا داشتند، به قتل رساندند.

قطع آزمایش انفجارهای هسته‌ای در شوروی

یکجانبه، از انجام همه گونه انفجارهای هسته‌ای دست بردارد.

ما از دولت ایالات متحده آمریکادعوت می‌کنیم که از همان روز که در سراسر جهان بعنوان روز فاجعه میروشیما یاد می‌شود، انفجارهای هسته‌ای خود را متوقف سازد.

این پیشنهاد صلح دوستانه اتحاد شوروی از سوی دولت آمریکا رد شده است. آمریکا در برابر این پیشنهاد از اتحاد شوروی دعوت نمود تا هیأتی را به ایالات متحده بفرستد تا شاهد یک آزمایش هسته‌ای در صحرائ نوادا باشد. اتحاد شوروی اعلام داشت هدف آمریکا از این دعوت در سالگرد انفجار بمب اتمی در هیروشیما، چیزی جز رسیت و حقانیت بخشیدن به آزمایشهای هسته‌ای نیست.

خاویر پرز و کوئیار دبیرکل سازمان ملل متحد از تصمیم یکجانبه اتحاد شوروی مبنی بر قطع آزمایشهای هسته‌ای، استقبال به عمل آورد. در بیانیه‌ای که از سوی سازمان ملل انتشار یافت، گفته میشود سازمان ملل و کشورهای عضو آن، قطع آزمایشهای هسته‌ای را یک کام‌بزرگ در جهت منع کامل تسلیحات هسته‌ای ارزیابی میکنند و از هر حرکتی در این مسیر پشتیبانی خواهند نمود.

تظاهرات دانشجویان در السالوادور

بیش از ۵ هزار نفر از دانشجویان دانشگاه ملی السالوادور، هفته گذشته در سان‌سالوادور، پایتخت این کشور، به تظاهرات پرداختند. تظاهر کنندگان خواستار بازسازی دانشگاه و از بین بردن باند‌های ترور حکومتی که علیه استادان و دانشجویان دست به ترور می‌زنند، بودند.

در قطعنامه‌ای که در پایان این تظاهرات صادر شد، آمده است: فعالیتهای باند‌های ترور حکومتی که توسط ارتش، تعلیم داده می‌شدند، تاکنون به قیمت جان ۵۰ نفر از دانشجویان و استادان این دانشگاه تمام شده است. در این قطعنامه همچنین گفته شده است دولت باید شش میلیون دلار غرامت بابت حمله نظامیان به دانشگاه در سال ۱۹۸۰، پرداخت نماید. در سال ۱۹۸۰ در جریان حمله واحدهای نظامی به دانشگاه ۱۵ دانشجو به قتل رسیدند و به ساختمان دانشگاه خسارات فراوانی وارد آمد. این دانشگاه از آن سال تاکنون تعطیل بوده است.

کودتادر اوگاندا

در روز ۲۸ ژوئیه، در جریان یک کودتای نظامی، حکومت اوپوته در اوگاندا سرنگون شد و ژنرال تیتو اوکلو، زمام امور را به دست گرفت. اوپوته در سال ۱۹۷۹ پس از سقوط ایدی امین به حکومت رسیده بود.

اتحاد شوروی تصمیم گرفته است. بطور یکجانبه تا اول ژانویه سال ۱۹۸۶ آزمایش انفجارهای هسته‌ای را متوقف سازد. این تصمیم از ششم اوت که سالگرد بمباران اتمی هیروشیماست به موقع اجرا در خواهد آمد. در اظهاریه میخائیل گارباجف، دبیرکل حزب کمونیست شوروی در این مورد، گفته شده است هرگاه آمریکا هم از انجام انفجارهای هسته‌ای احتراز جوید، این تصمیم شوروی بعد از تاریخ مقرر شده نیز معتبر خواهد بود.

در این اظهاریه در مورد تلاشهای صلح دوستانه اتحاد شوروی آمده است: "اتحاد شوروی در راه بدست آوردن برتری نظامی نمی‌کوشد. کشور ما برقرار حفظ تعادل و همترازی نیروهای نظامی در پائین‌ترین سطح ممکن است. به نظر ما قطع تمام آزمایشهای سلاحهای هسته‌ای، سهم وزینی در امر تحکیم میانی ثبات استراتژیک و صلح جهانی خواهد داشت. بر کسی پوشیده نیست که در جریان چنین آزمایشهایی، انواع جدید و خطرناکتر سلاحهای کشتار جمعی مورد آزمایش قرار گرفته و تکامل می‌یابند.

اتحاد شوروی که می‌کوشد به مسابقه خطرناک انباشت سلاحهای هسته‌ای پایان بخشد و مایل است. در این زمینه نمونه و سرمشق نیکی ارائه دهد، تصمیم گرفته است از تاریخ ششم اوت سال جاری به صورت

دهمین سالگرد کنفرانس هلسینکی

به مناسبت دهمین سالگرد امضای سند نهایی کنفرانس عمومی امنیت و همکاری اروپا، وزیران خارجه سی‌وسه کشور از اروپا، آمریکا و کانادا در هلسینکی پایتخت فنلاند، گرد هم آمدند.

وزیر خارجه اتحاد شوروی که در این گردهمایی شرکت جسته بود گفت: سند نهایی کنفرانس هلسینکی، یک سند تاریخی و پایه و شالوده خوبی برای ازدیاد حسن تفاهم و بسط و توسعه همکاری در اروپا و فراتر از آن، می‌باشد.

کنفرانس مشاوره اقتصادی در کوبا

کنفرانس مشاوره اقتصادی، جهت بررسی بحران مالی گریبانگیر کشورهای آمریکای لاتین و حوزه کارائیب در هاوانا پایتخت کوبا توسط نیدل‌کاسترو افتتاح گردید. کنفرانس که در آن ۱۲۰۰ نماینده با عقاید سیاسی و جهان‌بینی‌های مختلف از همه کشورهای آمریکای لاتین شرکت داشتند، دستور کار خود را بررسی فعالیتهای امپریالیسم در غارت هر چه بیشتر کشورهای آمریکای لاتین، قرار داده بود.

فیدل کاسترو که ریاست کنفرانس را بر عهده داشت، در پایان کار آن، این گردهمایی را بسیار دموکراتیک و کم نظیر توصیف نمود.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!

پایان دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان در مسکو

صراحت تمام بگویم که جهان عاری از جنگ و سلاح، جهان حسن همجواری و همکاری شرافتمندانه و جهان دوستی میان خلقها، آرمان سوسیالیسم و هدف سیاست ماست.

کارباچف در پایان گفت: "افراد شوروی به کار مسالمت آمیز و سازنده مشغولند، ما دستاوردهای زیادی داریم و بناهای زیادی برپا کرده ایم، ولی انجام کارهایی از آن بیشتر در پیش است. ما برای سهم جوانان شوروی در کارهای کنونی مردم شوروی ارزش بسزایی قایل می‌شویم. ما اطمینان کامل داریم که جوانان ما در آینده نیز با سرافرازی از عهد انجام وظیفه عالی ادامه ساختمان جامعه نوین بخواهند آمد. شما شرکت کنندگان فستیوال، پسران و دختران، تجسم گر بهار بشریت و ترقی و پیشرفت و آمل و امیدهای ملل هستید. بیایید برای تامین حال و آینده بشریت، عاری از جنگ و روزگویی و ستمگری، مجدانه مبارزه کنیم."

دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان در مسکو، پر شکوهرترین جشنواره در نوع خود عنوان گرفته است. هر روز از جشنواره دارای تم ویژه‌ای بود که حول آن جلسات متعددی برگزار می‌گشت. در سفرانی و جلسات متعددی که در فستیوال برگزار گردید جوانان همه کشورها موکداً از صلح و ترقی اجتماعی و مبارزه خلقها علیه امپریالیسم پشتیبانی نمودند. در مسکو، میتینگهای متعددی در همبستگی با ملل نامیبیا، فلسطین و شیلی برگزار شد. در مباحث جوانان ابراز همبستگی بامبارزات مردم ایران نیز جای ویژه‌ای داشت. همه جنگ ایران و عراق را به نفع امپریالیسم دانسته و آنرا محکوم می‌کردند.

دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان که در مسکو برگزار گردید، پایان یافت. این جشنواره که در آن جوانان و دانشجویان ۱۵۷ کشور جهان شرکت داشتند، عرصه تجلی همبستگی بین‌المللی جوانان در راه صلح و دوستی و در مبارزه علیه امپریالیسم بود. در همه برنامه‌های جشنواره این مضمون به شکل بارزی متجلی بود.

در روز نخست جشنواره، میخائیل کارباچف نطق ایراد کرد که با استقبال پرشور همه شرکت کنندگان در فستیوال مسکو مواجه گشت. کارباچف ضمن خوشامدگویی به شرکت کنندگان، در نطق خود به جایگاه جوانان در شوروی و تلاشهای شوروی برای دستیابی به یک صلح فراگیر در سطح کره زمین اشاره نمود. وی خطاب به شرکت کنندگان گفت: "شما در اینجا، در میهن لنین کبیر می‌توانید مستقیماً لمس کنید که جوانان ما تا چه حد عمیقاً به آرمانهای شرافتمندانه خود دوستی، صلح و سوسیالیسم وفادارند. به نظر من، همه ما موافقیم که در حال حاضر، هیچ وظیفه‌ای مهمتر از حفظ و تحکیم صلح برای برای بشریت وجود ندارد. نگرانی از بابت آینده و خاطره گذشته، ما را به انجام این وظیفه متعهد می‌سازد."

کارباچف در بخش دیگری از سخنان خود گفت: "شما هم می‌دانید که نیروهای ارتجاعی که جنگ‌ها و مسابقه تسلیحاتی، سدهای هنگفتی برای آنها به ارمغان می‌آورد، همچنان فعالانه عمل می‌کنند. این نیروها می‌خواهند روند تاریخ را به عقب باز گردانند، حکومت و امتیازات خود را حفظ کنند و اراده خویش را به خلقها تحمیل نمایند. آنچه که به اتحاد شوروی مربوط می‌باشد، می‌خواهم بار دیگر با

منتشر شد:

بولتن بین‌المللی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

Information Bulletin

بولتن بین‌المللی
سازمان فدائیان خلق ایران
(اکثریت)The Organisation of Iranian
People's Fedaiyan (Majority)

ON THE PUBLICATION OF THIS BULLETIN

CENTRAL COMMITTEE COMMUNIQUE ON
THE INTENSIFICATION OF THE WARWE STRONGLY CONDEMN THE EXECUTION
OF COMRADE MOHAMMAD MOHR IN
INDONESIAJOINT COMMUNIQUE OF THE CENTRAL
COMMITTEE OF THE ORGANISATION OF
IRANIAN PEOPLE'S FEDAIYAN (MAJORITY)
AND THE CENTRAL COMMITTEE OF THE
TUDEH PARTY OF IRAN

1

June 1985

اولین شماره
بولتن بین‌المللی
سازمان فدائیان خلق
ایران (اکثریت) در
ژوئن امسال، انتشار
یافت. بولتن که به
زبان انگلیسی انتشار
می‌یابد هدف انعکاس
دادن مهمترین
رویدادهای ایران و
جهان، تحولات تازه
در اوضاع سیاسی کشور
و در جنبش مبارزاتی
مردم ایران و تکرش
سازمان در قبال آنها
را، در پیش رودارد.

آموزش عالی در خدمت سودجویی سرمایه‌داران

پیشگام

این مجله ماهانه علم و ادب را برای دانشجو و محقق
تأسیس شده در سال ۱۳۶۳
تأسیس کننده: دکتر محمد علی باهنر
تأسیس کننده: دکتر محمد علی باهنر
تأسیس کننده: دکتر محمد علی باهنر

این مجله ماهانه علم و ادب را برای دانشجو و محقق
تأسیس شده در سال ۱۳۶۳
تأسیس کننده: دکتر محمد علی باهنر
تأسیس کننده: دکتر محمد علی باهنر
تأسیس کننده: دکتر محمد علی باهنر

این مجله ماهانه علم و ادب را برای دانشجو و محقق
تأسیس شده در سال ۱۳۶۳
تأسیس کننده: دکتر محمد علی باهنر
تأسیس کننده: دکتر محمد علی باهنر
تأسیس کننده: دکتر محمد علی باهنر

بقیه از صفحه اول
نیست. هیئت
سرمایه‌داری حاضر نیست
در کاری که برای او سودی
نداشته باشد شرکت ورزد.
مدارس عالی بنش خصوصی
همچنانکه در گذشته
دیده‌ایم، به جای مراکز
علمی، دکانهایی برای
سودجویی سرمایه‌داران
خواهند بود.

تصمیم شورای عالی
فرهنگ علاوه بر واگذاری
میدان تازه‌ای برای
غارگری و چپاولگری
سرمایه‌داران و تجار
بزرگ، قدمی است در جهت
طبقاتی کردن بیش از پیش

انقلابی و "سیستم گزینش" کنکور
می‌توانند امکانات آموزش عالی کشور
را در اختیار خود بگیرند.

بدیهی است که نتایج و تجارب
مبارزات طولانی و درخشان
دانشجویان و دانش‌آموزان کشور در
راه لغو شهریه و نفی غارتگری
سرمایه‌داران در آموزش عالی کشور از
جانب استبداد و ارتجاع رژیم خمینی
از بین رفتنی نیست. دانش‌آموزان و
دانشجویان، فرهنگیان، دانشکامیان و
همه مردم ایران، با شعار "آموزش
رایگان برای همه" به مبارزه خود علیه
سیاستهای ارتجاعی ضد مردمی رژیم
ادامه خواهند داد.

سیستم آموزش عالی کشور به نفع
فرزندان اقطاع مرفه جامعه، هر کس
بتواند پول زیادی به جیب صاحبان
موسسات مژبور سرازیر کند قادر خواهد
بود جواز ورود به این موسسات را به
دست آورد. در چنین سیستمی توده
کثیر جوانان کشور که عدداً
فرزندان زحمتکشان و اقشار متوسط
جامعه هستند از امکان دستیابی به
تحصیلات عالی محروم می‌شوند، اما
فرزندان اقطاع مرفه جامعه و
نورچشمی‌های رژیم، چه از طریق خرید
جواز ورود به موسسات عالی خصوصی،
چه از طریق اعزام به خارج و چه از
طریق سهمیه باصطلاح نهادهای

کمک‌های مالی رسیده

مدیه جشن تولد شادی (از آمریکا) به نشریه اکثریت ۵۰ دلار
مدیه جشن تولد علی (از آمریکا) به نشریه اکثریت ۲۰ دلار
یک خانواده توریست ایرانی در هندوستان ۴۵ روپیه
کمک مالی رفیق خسرو از هندوستان به نشریه ۱۰۰ روپیه

باجمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید!

AKSARIYAT
No. 68
MONDAY AUG. 5.85
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY